

IRANA ESPERANTISTO

پایه

براندیشان

IREA
Irana Esperanto-Asocio

Kultura sezono-revuo en la persa, araba, kurda kaj Esperanto
N-ro: 38, Dua Serio, Somero 2021

فصلنامه‌ی فرهنگی چندزبانه فارسی، کردی، عربی و اسپرانتو
شماره ۳۸، دوره دوم، تابستان ۱۴۰۰

اسپرانتو ESPERANTO

دریچای به‌سوی گردشگری بیکارچه

با همکاری و مشارکت: **UT, de Tourism**

لینک ورود به نشست: <http://vroom.ut.ac.ir/farabi14>

پرتابه زبانی‌دهی ششمین

شبهه ۱۴۰۰/۱۶/۵

ردیف	نام	تاریخ تولد	محل تولد
۱	دکتر علی محمدی	۱۳۳۰	تهران
۲	دکتر سید محمدی	۱۳۳۰	تهران
۳	دکتر سید علی محمدی	۱۳۳۰	تهران
۴	دکتر سید علی محمدی	۱۳۳۰	تهران
۵	دکتر سید علی محمدی	۱۳۳۰	تهران
۶	دکتر سید علی محمدی	۱۳۳۰	تهران
۷	دکتر سید علی محمدی	۱۳۳۰	تهران
۸	دکتر سید علی محمدی	۱۳۳۰	تهران
۹	دکتر سید علی محمدی	۱۳۳۰	تهران
۱۰	دکتر سید علی محمدی	۱۳۳۰	تهران

لینک ورود به نشست: <http://vroom.ut.ac.ir/farabi14>

پرتابه زبانی‌دهی ششمین

شبهه ۱۴۰۰/۱۶/۵

ردیف	نام	تاریخ تولد	محل تولد
۱	دکتر سید علی محمدی	۱۳۳۰	تهران
۲	دکتر سید علی محمدی	۱۳۳۰	تهران
۳	دکتر سید علی محمدی	۱۳۳۰	تهران
۴	دکتر سید علی محمدی	۱۳۳۰	تهران
۵	دکتر سید علی محمدی	۱۳۳۰	تهران
۶	دکتر سید علی محمدی	۱۳۳۰	تهران
۷	دکتر سید علی محمدی	۱۳۳۰	تهران
۸	دکتر سید علی محمدی	۱۳۳۰	تهران
۹	دکتر سید علی محمدی	۱۳۳۰	تهران
۱۰	دکتر سید علی محمدی	۱۳۳۰	تهران

لینک ورود به نشست: <http://vroom.ut.ac.ir/farabi14>

پرتابه زبانی‌دهی ششمین

شبهه ۱۴۰۰/۱۶/۷

ردیف	نام	تاریخ تولد	محل تولد
۱	دکتر سید علی محمدی	۱۳۳۰	تهران
۲	دکتر سید علی محمدی	۱۳۳۰	تهران
۳	دکتر سید علی محمدی	۱۳۳۰	تهران
۴	دکتر سید علی محمدی	۱۳۳۰	تهران
۵	دکتر سید علی محمدی	۱۳۳۰	تهران
۶	دکتر سید علی محمدی	۱۳۳۰	تهران
۷	دکتر سید علی محمدی	۱۳۳۰	تهران
۸	دکتر سید علی محمدی	۱۳۳۰	تهران
۹	دکتر سید علی محمدی	۱۳۳۰	تهران
۱۰	دکتر سید علی محمدی	۱۳۳۰	تهران

لینک ورود به نشست: <http://vroom.ut.ac.ir/farabi14>

دانشیاران بین‌المللی اسپرانتو و ارتباطات بین‌فرهنگی

۱۳۰۰ تا کنون

۱۳۰۰-۱۳۰۵	۱۳۰۵-۱۳۱۰	۱۳۱۰-۱۳۱۵
-----------	-----------	-----------

لینک ورود به نشست: <http://vroom.ut.ac.ir/farabi14>

DIPLOMO PRI ELSTARA AGADO

PER TIU ĈI DIPLOMO UNIVERSALA ESPERANTO-ASOCIO PREMIAIS

Irana Esperanto-Asocio (IrEA)

PRO ELSTARA AGADO POR LA INTERNACIA LINGVO ESPERANTO.

2-A VIRTUALA KONGRESO (VK) DE ESPERANTO. LA 24-AN DE JULIO 2021.

DUNCAN CHARTERS
PREZIDANTO DE UEA

برنامه هفته پژوهش ۱۳۹۹

گروه زبان‌شناسی دانشگاه امشهان

۱۸ آذر ماه ۱۳۹۹ از ساعت ۱۴ الی ۱۷:۳۰

۱۱-۱۳:۳۰	آقای دکتر مهدی غفاری، استاد زبان فارسی دانشگاه امشهان
۱۳:۳۰-۱۴:۰۰	دکتر محمد کاظمی، مدیر گروه زبان‌شناسی
۱۴:۰۰-۱۴:۳۰	دکتر سید علی محمدی، مدیر گروه زبان‌شناسی
۱۴:۳۰-۱۵:۰۰	دکتر سید علی محمدی، مدیر گروه زبان‌شناسی
۱۵:۰۰-۱۵:۳۰	دکتر سید علی محمدی، مدیر گروه زبان‌شناسی
۱۵:۳۰-۱۶:۰۰	دکتر سید علی محمدی، مدیر گروه زبان‌شناسی
۱۶:۰۰-۱۶:۳۰	دکتر سید علی محمدی، مدیر گروه زبان‌شناسی
۱۶:۳۰-۱۷:۰۰	دکتر سید علی محمدی، مدیر گروه زبان‌شناسی

لینک ورود به نشست: <https://vroom.ut.ac.ir/chi/lan>

Internacia Ret-seminario pri "Esperanto kaj Interkultura Komunikado"

La 25-a de Julio 2021

۲۳، ۲۴، ۲۵ جولای ۲۰۲۱

لینک ورود به نشست: <https://vroom.ut.ac.ir/farabi14>

Internacia Ret-seminario pri "Esperanto kaj Interkultura Komunikado"

La 25-a de Julio 2021

۲۳، ۲۴، ۲۵ جولای ۲۰۲۱

لینک ورود به نشست: <https://vroom.ut.ac.ir/farabi14>

Internacia Ret-seminario pri "Esperanto kaj Interkultura Komunikado"

La 25-a de Julio 2021

۲۳، ۲۴، ۲۵ جولای ۲۰۲۱

لینک ورود به نشست: <https://vroom.ut.ac.ir/farabi14>

Internacia Retinaro por Prezento de la plej Facila Lingvo de la Mondo ESPERANTO

La 23a, 24a kaj 25a de novembro 2020, ekde la 12:30-16:30 UTC

۲۳، ۲۴، ۲۵ نوامبر ۲۰۲۰، از ساعت ۱۲:۳۰ تا ۱۶:۳۰ UTC

لینک ورود به نشست: <https://vroom.ut.ac.ir/farabi14>

IRANA ESPERANTISTO

Pajam-e Sabzandiŝan
(Mesaĝo de Verd-ideanoj)
ISSN 1728-6174

IRANA ESPERANTISTO
Kultura kaj sendependa sezon-revuo internacia
Dua serio, N-ro 38, Somero 2021

Bonvenas eseoj, artikoloj, raportoj kaj kontribuajoj kondiĉe ke ili ne estu publikigitaj antaŭe. Bonvenas kultur-temaj kontribuajoj ĉu en Esperanto ĉu en la persa.

Ĉia presa aŭ elektronika citado aŭ eldonado de materialoj de IRANA ESPERANTISTO, ĉu originale ĉu tradukite en aliajn lingvojn, estas permesata. Bonvole menciu pri la fonto kaj la originala lingvo (t.e. Esperanto aŭ la persa) kaj se eble, informu nin pri eldonaĵo en kiu aperis io de aŭ pri IRANA ESPERANTISTO aŭ/kaj sendu ciferecan kopion al ni: info@espero.ir.

به نام خداوند جان و خرد

سبزاندیشان

فصلنامه‌ی پژوهشی - فرهنگی دوزبانه‌ی فارسی و اسپرانتو

دوره دوم، شماره سی‌وهشتم، تابستان ۱۴۰۰
شماره استاندارد بین‌المللی (ISSN):
۱۷۲۸-۶۱۷۴
تاریخ انتشار نخستین شماره: پاییز ۱۳۸۱

نقل مطالب مجله با ذکر منبع و ماخذ جایز است و از استفاده کنندگان درخواست می‌شود یک نسخه الکترونیکی یا تصویر از نشریه‌ای را که در آن مطلبی به نقل از این مجله درج شده است به نشانی اینترنتی مجله ارسال کنند.

مسئولیت مطالب مندرج در این مجله برعهده‌ی نویسندگان آن می‌باشد.

گرافیک و حروفچینی: سبزاندیشان

نشانی‌ها:

پایگاه اینترنتی: www.espero.ir

پست الکترونیک: info@espero.ir

همکاران تحریریه این شماره:

- * شون ا. ریائین
- * بریاک میلون
- * شلر کریمی
- * کیهان صیادپور
- * نازی صولت
- * حمزه شفیعی
- * امیر فکری
- * رضا خیرخواه

Mallongigoj uzitaj en ĉi tiu numero

ILEK: Irana Literatura Esperanto Konkurso
IrEA: Irana Esperanto-Asocio
IrEJO: Irana Esperantista Junulara Organizo
IrEK: Irana Esperanto-Kongreso
IrLEI: Irana Ligo de Esperantistaj Instruistoj
UK: Universala Kongreso

Irana Esperantisto
akceptas anoncojn.

مجله سبزاندیشان آماده پذیرش آگهی می‌باشد.

Kontribuantoj ĉi-numere:

- * Seán Ó Riain
- * Briac Millon
- * Shler Karimi
- * Keyhan Sayadpour
- * Nazi Solat
- * Hamzeh Shafiee
- * Amir Fekri
- * Reza Kheirkhah



Kovrila Paĝo:
Okaze de ricevi premion de UEA: "Diplomo pri Elstara Agado"
Lasta Paĝo:
Okaze de la "Tago de Esperanto"

طرح روی جلد:
به مناسبت دریافت دیپلم افتخار از انجمن جهانی اسپرانتو
طرح پشت جلد:
پوستر روز جهانی اسپرانتو



En ĉi tiu numero:

در این شماره:

- 4 Antaŭ ĉio..
- 5 Novaĵoj
- 6 Mesaĝo al IrEK-8
Seán Ó Riain
- 7 Plibonigita lingvolernado
Seán Ó Riain
- 10 Sardari, irana heroo
Briac Millon
- 11 Raporto pri retseminario
Reza Khejrkah
- 14 Internacia Esperanto-Arkivo
Bert Boon
- 16 Kampanjo por E-tago
- 18 Pri Kripta Monero
Hamzeh Shafiee
- 20 Veturoj kaj memoraĵoj (3)
Nazi Solat
- 25 Tri kialoj por internacia lingvo
Ahmad Reza Mamduhi
- 26 Diversaĵoj
A. Fekri
- 28 Aventuroj de Pioniro (15)
Tradukis al la persa: A. Fekri
- 30 Intervjuo
Intervjuo kun Behjat Mamduhi
- 32 Paĝoj en la Kurda Lingvo
Shler Karimi
- 36 Paĝoj en la Araba Lingvo
Keyhan Sayadpour
- 39 Poemo
Arquillos



- 4 قبل از هر چیز ...
- 5 اخبار
- 6 پیام به هشتمین همایش اسپرانتوی ایران
شون ا. ریائین
- 7 زبان آموزی بهبودیافته
شون ا. ریائین
- 10 عبدالحسین سرداری، قهرمان ایرانی
بریاک میلیون
- 11 گزارش وینار بین المللی اسپرانتو
رضا خیرخواه
- 14 آرشیو بین المللی اسپرانتو
برت بون
- 16 درباره کارزار روز جهانی اسپرانتو
- 18 سوال و جواب درباره رمزارزها
حمزه شفیعی
- 20 سفرها و خاطره‌ها (۳)
نازی صولت
- 25 سه چرای حیاتی درباره اسپرانتو
احمدرضا ممدوحی
- 26 گوناگون
امیر فکری
- 28 ماجراهای یک پیشتاز (۱۵)
امیر فکری
- 30 مصاحبه
گپ و گفت با سرکار خانم بهجت ممدوحی
- 32 صفحات کردی
شهر کریمی
- 36 صفحات عربی
کیهان صیادیپور
- 39 شعری از آرکوئیلو

Antaŭ ĉio...

Fulmrapide pasis la somero, kaj jen la somera numero kiu prezentiĝas al vi komence de aŭtuno.

Nia movado sentas novajn esperojn kiuj estas veninta post la okazigo de seminarioj kaj prezentoj en elstaraj iranaj universitatoj. Ni jam renkontas novajn vizaĝojn inter studentoj kaj ne-studentoj kiuj lernas Esperanton pere de ret-kursoj kaj aktive partoprenas en diversaj agadoj. Estas interese ke ni ricevas petojn kaj invitojn por okazigi novajn kursojn kaj prezentojn, la afero kiu antaŭe estis inverse, nome ni estis serĉanta eblecojn kaj interesantojn por prezenti la lingvon. Nun, post la okazigo de kursoj en la "Universitato Ŝirazo" kaj la "Universitato Mazandarano", oni planas okazigon de kursoj en la "Universitato de Tehrano". Tia kurso certe estos grava kaj efektiva paŝo al prospero de Esperanto en nia lando.

Kiel ĉiam ni kolektis varion da temoj por aperigi en tiu ĉi numero de la revuo. Foliumu ĝin kaj legu la partojn kiuj interesas vin.

Mi esperas aperigi la venontan numeron pli frue, ne en vintro, sed en aŭtuno.

Via, Hamzeh Shafiee

قبل از هر چیز...

شماره تابستانی مجله را با اندکی تاخیر و در اوایل پاییز تقدیم حضورتان می‌کنیم. در این شماره نیز همچون همیشه سعی شده است که مطالب متنوعی برای مطالعه در اختیارتان قرار گیرد و این نشریه بتواند در کنار ده‌ها و صدها منبع دیگر نقشی در پیشبرد و ترویج اسپرانتو ایفا نماید.

نکته‌ای که در نظر دارم در این بخش از فضای خودمانی‌تر مجله با خوانندگان و اعضای مجله در میان بگذارم نزدیک شدن به زمان برگزاری انتخابات اعضای هیات‌مدیره انجمن است که طبق روال بایستی تا پایان سال جاری صورت پذیرفته و از ابتدای سال آینده ترکیب جدید فعالیت خود را آغاز نمایند. روال اجرایی برگزاری انتخابات به زودی با اعلان عمومی دعوت به نامزدی افراد شروع خواهد شد. بنابراین از هم اکنون از اعضای انجمن دعوت می‌شود تا در خصوص اعلام کاندیداتوری خودشان اخذ تصمیم نموده و منتظر باشند تا برای معرفی خود و برنامه‌هایشان از ایشان دعوت به عمل آید. در شماره آتی مجله بخشی را به این موضوع و تبیین برنامه‌ها و شرایط و چگونگی برگزاری انتخابات اختصاص خواهیم داد.

برایتان همچون همیشه شادی و تندرستی و موفقیت روزافزون همراه با امیدواری (از نوع اسپرانتویی!) آرزو دارم.

ارادتمند، حمزه شفیعی

Ĉu vi aŭskultas niajn podkastojn?



آیا به پادکست‌های اسپرانتو گوش می‌دهید؟

Amikoj kaj aktivuloj de Esperanto en Irano preparas kaj publikigas podkaston dulingvan (perse kaj Esperane) por diskonigi la lingvon kaj utiligi ĝin praktike por publika informado. Ĝis nun publikiĝis naŭ numeroj de tiaj podkasto kun variaj enhavoj. Ĉiujn numerojn de la podkasto oni povas preni kaj aŭskulti el la retpaĝaro de Irana Esperanto-Asocio. La retadreso de la propra paĝo por podkasto jen estas:

مدتی است که جمعی از فعالان و دوستداران زبان اسپرانتو در راستای ترویج و شناساندن این زبان دست به تهیه و انتشار پادکست‌های دوزبانه فارسی و اسپرانتو با محتوای متنوع زده‌اند. این پادکست‌ها که تاکنون ۹ شماره از آن منتشر شده است در سایت انجمن اسپرانتوی ایران در دسترس عموم قرار دارند. از شما دعوت می‌کنیم حتماً به آنها گوش فرا دهید. آدرس صفحه اختصاصی پادکست‌های مذکور در سایت انجمن به قرار زیر است:

<https://www.espero.ir/podkasto/>

در کنگره جهانی اسپرانتوی امسال اعطا شد

دیپلم افتخار به انجمن اسپرانتوی ایران به خاطر فعالیت‌های برجسته



اعطای دیپلم افتخار به «انجمن اسپرانتوی ایران» به خاطر فعالیت برجسته‌اش به عنوان سازمان‌دهنده و میزبان بسیاری از رویدادهای آنلاین، به ویژه از ابتدای همه‌گیری کرونا، از جمله هفتمین کنگره اسپرانتوی ایران (IREK) به عنوان نخستین کنگره مجازی در دنیای اسپرانتو در آوریل سال ۲۰۲۰، و نیز دوره‌های مجازی آموزش اسپرانتوی تیبور سکلی (Tibor Sekelj).

تبریک به همه دوستان و عزیزانی که برای کسب این افتخار تلاش نمودند.

مهندس احمدرضا ممدوحی، رییس جدید اتحادیه جهانی معلمان اسپرانتودان

سرنامینده انجمن جهانی اسپرانتو در ایران به ریاست ILEI برگزیده شد.

انتخابات دوره جدید اعضای هیات‌مدیره «اتحادیه جهانی آموزگاران اسپرانتودان (ILEI)» در جریان «کنگره جهانی ILEI» برگزار شد. در این کنگره که برای دومین مرتبه به صورت مجازی صورت پذیرفت، علاوه بر برنامه‌ها و سخنرانی‌های متنوع، انتخابات هیات‌مدیره برای دوره جدید نیز برگزار گردید که طی آن آقای مهندس احمدرضا ممدوحی به ریاست این اتحادیه برگزیده شدند. این موفقیت بزرگ را به همه اسپرانتودانان عزیز کشورمان و به ویژه به آقای ممدوحی تبریک گفته و پیشرفت روزافزون و کسب دستاوردهای بزرگ‌تر در این زمینه را برای فعالان عرصه ترویج اسپرانتو در ایران آرزو می‌کنیم.

Mesaĝo

D-ro Seán Ó Riain estas irlanda diplomato kaj lingvisto. Li doktoriĝis pri lingvopolitiko en Irlando kaj Kebekio, Kanado. Kiel diplomato li laboris dum 16 jaroj en la irlandaj ambasadoj en Aŭstrio kaj antaŭ la IAEA/Internacia Atomagentejo (1985-1988; kaj 2016-2021), Aŭstralio (1990-1992), Pollando (1994-1999), Germanio (2001-2005) kaj en la Konstanta Reprezentejo de Irlando ĉe Eŭropa Unio, Bruselo (de 2005-07). Li laboris dum 8 jaroj en la Eŭropa Komisiono en Bruselo. Li aparte interesiĝas pri lingvopolitiko kaj lingvolernado, kaj flue parolas irlande, angle, france, germane, pole, hispane, kimre kaj Esperante; kaj scipovas legi la rusan, la italan, la nederlandan kaj la skotgaelan. D-ro Seán Ó Riain ekde 2002 estas ankaŭ la prezidanto de la Eŭropa Esperanto-Unio (EEU).

En lia persona retpaĝo (en Esperanto kaj pluraj aliaj lingvoj) - oni povas legi liston de liaj verkoj en pluraj lingvoj, pli ampleksan biografion kaj pli ol 55 el liaj artikoloj en ok lingvoj.

Sube vi povas legi lian mesaĝon al la 8-a IrEK.

دکتر شون اُ ریائین (Seán O Riain) دیپلمات و زبان شناس ایرلندی، دارای دکترای سیاست زبان از ایرلند و کبک کانادا است. وی به عنوان دیپلمات ۱۶ سال در سفارت‌های ایرلند در اتریش (۱۹۸۵-۱۹۸۸) (۲ ساله) و قبل از آژانس بین‌المللی انرژی‌هسته‌ای/آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (۱۹۸۵-۱۹۸۸؛ ۲۰۱۶-۲۰۲۱)، استرالیا (۱۹۹۰-۱۹۹۲)، لهستان (۱۹۹۴-۱۹۹۹)، آلمان (۲۰۰۱-۲۰۰۵) و در نمایندگی دائمی ایرلند در اتحادیه اروپا، بروکسل (از ۲۰۰۵-۲۰۰۷) مشغول بود. وی ۸ سال در کمیسیون اروپا در بروکسل کار کرد. او به ویژه به سیاست زبان و یادگیری زبان علاقه‌مند است و به زبان‌های ایرلندی، انگلیسی، فرانسوی، آلمانی، لهستانی، اسپانیایی، ولزی و اسپرانتو تسلط دارد و می‌تواند روسی، ایتالیایی، هلندی و گالیسی اسکاتلندی بخواند. دکتر Seán Ó Riain از سال ۲۰۰۲ رئیس اتحادیه اسپرانتوی اروپا (EEU) است.

در وب سایت شخصی وی (به اسپرانتو و چندین زبان دیگر) می‌توانید لیستی از آثار، زندگی‌نامه جامع‌تر و بیش از ۵۵ مقاله وی به هشت زبان را مطالعه نمایید.

در زیر پیام ایشان به هشتمین همایش اسپرانتوی ایران را بخوانید.

Mesaĝo de la prezidanto de Eŭropa Esperanto-Unio al IrEK-8

پیام ریاست اتحادیه اسپرانتوی اروپا خطاب به هشتمین همایش اسپرانتوی ایران

Seán Ó Riain
seanoriain.eu

Kiel Prezidanto de EEU/Eŭropa Esperanto-Unio, estas por mi granda plezuro kaj honoro gratuli al la 8-a Irana Esperanto-Kongreso. Irano havas reputacion de bonega agado por Esperanto dum multaj jardekoj, kaj mi tre ĝojas ke tiu agado daŭras. La nuntempa pandemio estas aparte malfacila periodo, sed ĝi ankaŭ entenas okazojn por modernigi kaj plibonigi nian agadon, aparte per virtualaj renkontiĝoj.

Mi elkore dankas pro la invito partopreni virtuale la ĉi-jaran Iranan Esperanto-Kongreson, kaj mi deziras al la Kongreso grandan sukceson.

Amike kaj dankeme.

Seán Ó Riain

Prezidanto de EEU/Eŭropa Esperanto-Unio

به عنوان رئیس اتحادیه اسپرانتو اروپا، عرض تبریک به مناسبت برگزاری هشتمین کنگره اسپرانتو ایران برای من بسیار مایه خوشحالی و افتخار است. ایران دهها سال است که به عنوان فعالیت عالی برای اسپرانتو شهرت دارد و من بسیار خوشحالم که این فعالیت ادامه دارد. بیماری همه‌گیر کنونی یک دوره بسیار دشوار است، اما همچنین فرصت‌هایی برای مدرن‌سازی و بهبود فعالیت‌های ما، به ویژه از طریق جلسات مجازی را نیز شامل می‌شود.

من قلباً از دعوت برای شرکت مجازی در کنگره امسال اسپرانتوی ایران سپاسگزارم و برای این کنگره آرزوی موفقیت بزرگ می‌کنم.

با حس دوستی و سپاسگزاری

شون او ریائین

رئیس اتحادیه اسپرانتو اروپا

La teksto de la prelego de d-ro Seán Ó Riain en la 2-a Ret-seminario de la Universitato de Ŝirazo

مقاله‌ای که در زیر می‌آید، متن سخنرانی دکتر شون اُریائین Seán O Riain دیپلمات و زبان شناس ایرلندی در دومین وبینار معرفی اسپرانتوی دانشگاه شیراز است. ترجمه عربی این سخنرانی در همین شماره و ترجمه فارسی آن در شماره آینده نشریه «پیام سبزاندیشان» منتشر می‌شود.

Jen resume de mia prelego: Pro la simpligita strukturo de la lingvo, lingva orientiĝa kurso, daŭranta 50–100 horojn kaj kovranta la senesceptan gramatikon de Esperanto kaj ĝiaj 500 plej ofte uzataj morfemoj, povas multe plibonigi postan lingvolernadon. Ĉi tiu aliro estis praktike provita en 3 EU-landoj dum 2018 kaj 2019, kun kuraĝigaj rezultoj. Pilotskemo en iuj bazlernejoj en pluraj landoj estas rekomendinda, por testi ĉu kaj kiomgrade ĉi tiu aliro plibonigas kaj akcelas la lernadon de aliaj lingvoj.



Seán Ó Riain, Ambasadoro de Irlando, Vieno

Plibonigita lingvolernado ĉu lingva orientiĝa instruado povas helpi?

Enkonduko

Eŭrobarometro regule demandas EU-civitanojn pri la nombro da lingvoj, kiujn ili povas paroli, sed la rezultoj estas tute subjektivaj kaj ne fidindaj. La sola objektiva testado de atingo en fremdaj lingvoj en la EU-landaro estis SurveyLang 2012, kiu enhavas multajn informojn. La signifa fakto tamen estis, ke lingvotestado estis farita nur ĝis la B2-nivelo de la CEFR / Komuna Eŭropa Kadra Referenco por Lingvoj, tio estas ĝis la nivelo 4 de la 6 niveloj difinitaj de la CEFR. Neniuj testoj estis faritaj ĉe C1 aŭ C2-nivelo, ĉar oni konsideris, ke tiuj, kiuj atingas la C1-nivelon, eĉ en sia unua fremda lingvo, konsistigas etan kaj statistike signifan malplimulton, de la ordo de 1%. Ĉi tiuj rezultoj kondukis al kritiko pri lingvolernado kiel "elitisma": la eduka sistemo havis la ne-intencitan efikon ekskludi la plimulton de pozitiva sperto de multlingveco. Proponoj por plibonigi lingvolernadon do rilatas al la vasta plimulto de civitanoj, kaj precipe al lernantoj en la lernejo.

Ĉi tiu prezento celas fari 4 ĉefajn punktojn:

- 1) Oni ĝenerale akceptas, ke iu ajn dua lernita lingvo helpas en posta lingvolernado. Jen la propedeŭtika efiko.
- 2) La propedeŭtika efiko de diversaj lingvoj emas esti neegala, do la ordo en kiu lingvoj estas lernataj estas grava.
- 3) 'Lingva orientiĝa kurso', daŭranta 50–100 horojn, kiu kovras la senesceptan gramatikon de Esperanto kaj ĝiaj 500 plej ofte uzataj morfemoj, montriĝis kiel tre efika propedeŭtika ilo, kaj efektive povas ŝpari tempon. Versio de ĉi tiu aliro, nomata Multlingva Akcelilo, estis financita de EU Erasmus + kaj praktikata en 2018 kaj 2019 en Bulgario, Kroatio kaj Slovenio.
- 4) Oni rekomendas pilotan planon en kelkaj bazlernejoj en pluraj interesataj landoj, por testi ĉu kaj kiomgrade ĝi plibonigas la lernadon de la ĉina, angla, rusa aŭ aliaj lingvoj.

Rezultoj atingitaj ĝis nun en lingvolernado klare ne kontentigas, do estus saĝe pripensi kaj testi alternativojn.

Instruado per lingva orientiĝo/la propedeŭtika metodo

La ideo de regula, facile lernebla lingvo, sen esceptoj, kiel ŝtupo al lernado de aliaj lingvoj ne estas nova, sed kiel la metrika sistemo, ĝi bezonas tempon por trovi ĝeneralan akcepton. La efektiva lingvo uzata por propedeŭtikaj celoj malpli gravas ol tio, ke ĝia strukturo devas kontribui al rapida kaj facila lernebleco. Konfido akirita regante atingiblajn celojn povas helpi studentojn regi pli malfacilajn lingvojn. Iuj eksperimentoj, tiaj ĉe tiuj efektivigitaj de la Cibernetika Fakultato de Paderborn-Universitato, Germanio, sugestas, ke la tempo uzata de propedeŭtika kurso povas esti pli ol kompensita per la pli rapida ritmo de posta lernado. La pionira Plurlingva Akcelila Programo testis ĉi tiujn ideojn praktike en 2018 ĝis 2019 (pri tio mi parolos poste). Ĉu ĉi tiu laboro povus profitigi la instruadon de la ĉina aŭ la angla kaj aliaj lingvoj, precipe por pli malfortaj studentoj? Tio estas la demando traktota en ĉi tiu prelego.

Esperanto, la internacia lingvo iniciatita en Varsovio en la 19a jarcento, havas nun 134 jarojn kaj estas uzata de malgranda sed diversa internacia komunumo dum kvin generacioj. Proksimume 2-3 milionoj da homoj en pli ol 120 landoj havas scion pri ĝi, kaj ĝi produktis riĉan literaturon, kaj originalan kaj tradukitan. Literaturajn tradukojn al Esperanto efektiviĝas denaskaj parolantoj de la fontaj lingvoj, kaj tiel iras en la kontraŭa direkto al pli kutima literatura tradukado. La lingvo havas siajn proprajn denaskajn parolantojn, kaj kelkfoje enplantiĝis kiel familia lingvo dum pluraj generacioj. La Esperanta Vikipedio havas preskaŭ 300 000 artikolojn kaj estas la 34-a plej granda el la 308 Vikipediaj lingvoj. Ĝi havas sian propran historion, ne konatan sed tre realan. Die Gefährliche Sprache de D-ro Ulrich Lins dokumentas la klopodojn de Hitler kaj Stalin detruiri Esperanton per murdo de ĝiaj parolantoj.

Pollando formale agnoskis Esperanton kiel parton de la nemateria kultura heredaĵo de Pollando kaj Eŭropo en novembro 2014. Kroatio faris same en februaro 2019. La Pola Parlamento unuanime voĉdonis gratulon al la Esperanto-movado dum

sia centjariĝo, la 12an de junio 2008, kaj proponis la movadon por la Nobel-premio pri paco. Papo Johano Paŭlo la 2a kaj Papo Benedikto la 16a ambaŭ uzis Esperanton en siaj paskaj kaj kristnaskaj benoj, Urbi et Orbi, komenciĝante en Pasko 1994. Tri tradukoj de la Nobla Korano en Esperanton estis publikigitaj, same kiel pli ol 10 000 literaturaj verkoj tradukitaj el la lingvoj de la tuta mondo. La anglalingva Konciza Enciklopedio de la Originala Literaturo de Esperanto de D-ro Geoffrey Sutton estis publikigita en Novjorko en 2008 sur ĉ. 800 paĝoj.

La Propedeŭtika Koncepto

La vorto propedeŭtiko devenas de la antikva greka "pro" + "paideuein", "antaŭ + instruado", tiel signifante "helpo antaŭ instruado". La pli travidebla termino en Esperanto, "lernfaciliga" signifas "tio, kio faciligas lernadon". Ĝi povas esti aplikata "antaŭ ol lerni" aŭ "dum lernado". Responde al la demando "kial Esperanto?", Profesoro Wim Jansen, antaŭe de la Universitato de Amsterdamo, mencias kvin faktorojn proprajn al la lingvo:

- 1) ĝia reguleco;
- 2) ĝia travidebleco;
- 3) ĝia manko de esceptoj al gramatikaj reguloj,
- 4) la kulturo de la esperantlingva komunumo enhavas kontribuojn de multaj aliaj kulturoj;
- 5) Esperanto ne trudas iujn ajn apartajn modelojn de pensado aŭ socia organizado, kiel kutimas fari aliaj fremdaj lingvoj.

Okazis multaj lernejoj eksperimentoj ekde 1921 por montri, ke mallongaj kursoj en Esperanto povas stimuli intereson pri lingvolernado, kaj plibonigi la lernadon de aliaj lingvoj, precipe por pli malfortaj studentoj. Landoj, kie tiaj eksperimentoj okazis, inkluzivas Brition, Usonon, Aŭstralion, Germanion, Nov-Zelandon, Finnlandon kaj Hungarion. Unu el la plej freŝaj estas la Multlingva Akcelilo, kiu estis financita de EU Erasmus + kaj efektivigita kun 8-9-jaraj lernantoj en bazlernejoj en Bulgario, Kroatio kaj Slovenio de 2018 ĝis 2019. Ĝi havis du celojn:

- 1) konsciiĝi la lingvojn de la lernantoj;
- 2) prepari lernantojn lerni postajn lingvojn.

Revolucia aspekto de ĉi tiu programo estis, ke ĝin instruis kvin instruistoj de bazlernejo, kiuj ne mem scipovis Esperanton: sufiĉis unu semajna trejnado por permesi al ili instrui ĉi tiun kurson.

La doktoriĝa tezo de D-ro Katalin Kovats (tiam Smidéliusz) estas studo pri Esperanto kiel helpilo por hungaraj infanoj kiuj lernis la italan. Ŝi ne pretendas universalan propedeŭtikan valoron por Esperanto, ĉar ŝiaj studoj kondukis ŝin al pli nuanca vido. Ŝi donas al ni utilan principon:

“Ju pli granda estas la diferenco inter la gepatra lingvo kaj la cellingvo, kaj ju pli proksima Esperanto estas al la cellingvo, des pli granda estas la propedeŭtika efiko. Ĝi do pli valoras por hungaro kiu lernas la italan ol por polo kiu lernas la rusan. ”

Ĉu ĉi tiu aliro helpus al iranano kiu lernas la anglan aŭ la ĉinan? La unua parto de la supra principo validas, kaj la dua certgrade validas, ĉar Esperanto havas multajn komunajn rilatojn kun la angla. Ambaŭ havas vortprovizon kun miksitaj latina kaj ĝermana origino, kaj neniu el ili havas la gramatikan kompleksecon de slavaj lingvoj. En la pli profunda nivelo Esperanto havas multajn komunajn trajtojn kun la mandarena ĉina, kaj la lingvo estas populara en Ĉinio.

Povas esti utile rigardi ĝuste kial la strukturo de Esperanto igas ĝin aparte bona preparo por posta lingvostudado. Ni rigardu tri nivelojn:

A. Sur la surfaco, sur la nivelo de vortprovizo, Esperanto ŝajnas esti fleksita hindeŭropa lingvo. Ĝi kolektas la plej grandan parton de sia vortprovizo el la latinidaj kaj ĝermanaj lingvoj, same kiel la angla. Multaj observantoj ne rigardas pli profunde ol tio, kaj tiel maltrafas la esencan punkton.

B. Je la dua sintaksa nivelo, ĝi estas aglutina lingvo, kiel la turka, la hungara kaj la finna, ekz. 'Mal-san-ul-ejo', 'patr-in-eco'; Morfemoj estas ĉiam senŝanĝaj - estas nenio kiel la angla "see, sight, visual".

C. Je la plej profunda nivelo, tamen, Esperanto estas izola lingvo, kiel la mandarena ĉina aŭ la

vjetnama. Ĝiaj senŝanĝaj morfemoj povas libere kuniĝi, kaj ĉiu morfemo povas esti uzata kiel sendependa vorto, ekz. Ino, ina, ine; -eco formas ĉiujn abstraktajn substantivojn, kaj mem signifas 'kvalito', ekz. beleco, boneco. Ĉiu morfemo povas funkcii kiel pluraj frazpartoj, simple modifante la finaĵojn, ekz. la ĉina frazo "lasu la patron agi kiel patro, kaj la filo kiel filo", povas esti esprimita per la kvar vortoj de la originala patro patru, filo filu.

Rekomendo: Pilota plano en bazlernejoj

Pilotskemo en iuj bazlernejoj en kelkaj interesataj landoj estas rekomendinda, por testi ĉu kaj ĝis kiu grado tia kurso povus plibonigi la lernadon de la ĉina, angla ktp. Internacie necesas pli da esplorado por malkovri kiu dua lingvo plej efike instigas postan lingvolernadon. Ĉi tio proksimas al la kerno de plurlingveca politiko, kaj indas testi ĝin praktike.

Kaj en la fino, iu rakonteto:

“Ni havas fieran purrasan kurĉevalon (Esperanto), idealan por internacia komunikado. Tamen, iuj ekstreme riĉaj kaj potencaj homoj produktas azenojn (la angla). Ili estas tiel riĉaj kaj potencaj, ke ili cerbolavis la tutan mondon kaj kredigis, ke iliaj azenoj estas la plej rapidaj kvarpieduloj, kaj ke la kurĉevalo ne ekzistas, kaj eĉ se ĝi ekzistus, ĝi ne kapablas kuri. La azenposedantoj faras grandegajn profitojn vendante azenojn, kaj ili kredigis al multaj homoj en ĉiuj landoj, ke “ĉiu devus posedi azenon”. Tiu situacio alportas astronomie altajn profitojn al ili, tial por ili gravas kaŝi la veron. Ajna normala persono, kiu objektive ekzamenas la situacion, povas vidi, ke la kurĉevalo ja ekzistas, estas kvaroble pli rapida ol la azeno, kaj fakte kostas multe malpli ol la multekosta azeno. Sed la propagando de la azenposedantoj iĝis ekde 1945 tiel potenca kaj ĉien penetranta, ke homoj ne volas aŭdi la vorton “kurĉevalo” – ili ĉiuj ŝparas por posedi sian propran azenon! Multaj jam investis en azenoj, kaj ili timas, ke la kurĉevalo iam estos serioze konsiderata ... En Esperanto ekzistas bela frazo, kiu malfacile tradukeblas: “Se la homaro subite malstultiĝus!”



Nia kara leganto de nia revuo, Briac Millon (Brijako) esperantisto el Francujo, sendis nin la suban artikolon kiu omaĝus Abdol Hossein Sardari, irana heroo kiu savis multajn senkulpulojn dum la Dua Mondmilito, kiam li estis diplomato en Parizo. Li mortis en 1981, antaŭ 40 jaroj.

Dankante kara Brijako-n, estas bonvenataj pliaj kontribuaj.

Abdol Hossein Sardari (1914-1981) forpasis antaŭ 40 jaroj. Li estis irana diplomato. Dum la Dua Mondmilito, li oficis en Parizo, kiam Francujo estis okupita de nazia Germanujo. Post la invado de Irano fare de Britujo kaj Sovetunio en 1941, li estis devigita foriri de Francujo. Sed Sardari restis por klopodi savi iranajn judojn de la genocido organizita de la nazioj, kvankam li ne plu havis diplomatan protekton. Tiel li riskis sian vivon. Li sukcesis savi multajn iranajn judojn, kaj ankaŭ plurajn neiranajn judojn, kiuj rifuĝis en Parizo kaj estis minacataj de la nazioj. Li sukcese kredigis al la nazioj ke la iranaj judoj estis "rase" nejudaj, kaj fakte "arjanoj" kiel la resto de la irananoj (nazia propagando konsideris Iranon kiel "arjanan nacion"), kiuj nur estis tre allogitaj de la instruoj de la profeto Moseo. Per tiu efika mensogo kune kun disdonado de multaj iranaj pasportoj, Sardari savis eble pli ol 2000 vivojn, laŭ Fariborz Mokhtari, historiisto kiu verkis biografion pri li.



Li mortis sole, en 1981.

En 2007, irana publika televidkanalo elsendis serion inspiritan de la agoj de Sardari dum la Dua Mondmilito, kies titolo estas مدار صفر درجه, "Nula grado de latitudo" Esperante.

اسپرانتو، دریچه‌ای برای گردشگری یکپارچه

گروه گردشگری دانشکده مدیریت و حسابداری دانشگاه تهران
با همکاری سازمان جهانی اسپرانتو (دارای روابط رسمی با سازمان ملل متحد و یونسکو) برگزار می‌کند:

نشست بین المللی

دانشگاه تهران
دانشکده‌های فارسی
دانشکده مدیریت و حسابداری

اسپرانتو و ESPeranto

دریچه‌ای به سوی گردشگری یکپارچه

با سفرانی هم‌صفا از اساتید و منابع نظران داخلی و بین‌المللی
و با مشارکت مؤسسه سبز اندیشان و سازمان‌ها و نهادهای داخلی و خارجی

سبزاندیشان
GAMES
SPORT

اقامت توریستی رایگان در بیش از ۹۰ کشور دنیا برای اسپرانتیست‌ها (Pasporta Servo)

- اسپرانتو بهترین زبان ممکن برای تجارت جهانی، زبانی برای گسترش صلح
- یادگیری بسیار سریع اسپرانتو، زبانی بسیار ساده‌تر از زبان انگلیسی
- حمایت گسترده و جامع یونسکو از اسپرانتو و اسپرانتیست‌ها
- آشنایی با پتانسیل‌های گردشگری ایران

۷-۵ شهریورماه ۱۴۰۰
۹:۳۰ الی ۲۱:۳۰

پخش زنده از آپارات: aparat.com/IraniEsperantoAsocioLive

YouTube zoom

UT.drTourism UT_drTourism

لینک ورود به نشست: <http://vroom.ut.ac.ir/farabi14>

«اسپرانتو، دریچه‌ای برای گردشگری یکپارچه» عنوان وینار سه‌روزه‌ای بود که از پنجم تا هفتم شهریورماه به همت «گروه گردشگری دانشکده مدیریت و حسابداری دانشگاه تهران» و با همکاری «انجمن جهانی اسپرانتو» و مشارکت «موسسه سبزاندیشان» و شماری از سازمان‌ها و نهادهای داخلی و خارجی برگزار گردید. در این وینار برنامه‌های زیر به علاقه‌مندان ارائه گردید:

- افتتاحیه شامل سخنرانی روسای دانشکده، شرح برنامه به شرکت کنندگان، اسپرانتو چیست؟ چرا اسپرانتو؟، ارتباط اسپرانتو با گردشگری
- بیان تجربه‌های مفید و کاربردی استفاده از اسپرانتو توسط اسپرانتیست‌های موفق - آقای رضا خیرخواه
- O-Sport و نقش آن در توسعه‌ی گردشگری
- دکتر محمداقاسم منوچهری، بنیانگذار و دبیرکل فدراسیون جهانی O-Sport
- آموزش مبانی اسپرانتو - مهندس احمدرضا ممدوحی، سرنماینده انجمن جهانی اسپرانتو در ایران و رئیس اتحادیه بین‌المللی معلمان اسپرانتیست
- تجربیات دکتر صیادپور با اسپرانتو در سفر - دکتر کیهان صیادپور زنجانی، رییس انجمن اسپرانتو ایران و عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی
- کانون فانوس نابینایان و گردشگری - جناب آقای حسین آگاهی، نایب دبیر کانون فانوس

- معرفی سایت Pasporta Servo (خدمات گذرنامه‌های اسپرانتو) معرفی جمع‌های اسپرانتویی سراسر دنیا و معرفی خدماتی که اسپرانتیست‌ها از آن بهره‌مند هستند - دکتر صلاح محمدپور، مدرس دانشگاه و پژوهشگر حوزه گردشگری
- جاذبه‌های گردشگری منطقه سیلوانا - جناب آقای علی پناهر، فعال اجتماعی
- معرفی توان بالقوه گردشگری روستای گرده بلیج - دکتر ساسان جهانگیری، فعال فرهنگی - گردشگری
- گردشگری ورزشی، رفتینگ و پتانسیل‌های موجود - جناب آقای منصور احمدیان، مدرس دانشگاه
- ورزش‌های زورخانه‌ای و کشتی پهلوانی و نقش آن در توسعه‌ی گردشگری - محمدحسین حکمت پور، مربی و مدرس + حسین غرقعی، رئیس انجمن فدراسیون جهانی ورزش‌های زورخانه‌ای
- معرفی میراث فرهنگی ناملوس ایران در یونسکو - سرکار خانم فریبا خیراندیش، دانشجوی ارشد مدیریت جهانگردی
- ثبت اورامانات به عنوان میراث ملاموس جهانی یونسکو - سرکار خانم شلر کریمی، اسپرانتیست ایرانی، عضو تحریریه‌ی مجله‌ی سبز اندیشان، پادکست اسپرانتو
- جهانگردی با جیب خالی - جناب آقای سامان کیوان‌نیا و جناب آقای امیرحسین پاینده، تور لیدر و فعال گردشگری
- هنر نمایشی آیینی تعزیه و پتانسیل‌های گردشگری آن - جناب آقای کمال ظریفیان منش، مدرس دانشگاه
- معرفی میراث فرهنگی و طبیعی ایران در یونسکو - مهندس بهناز ساجدی، فعال گردشگری و صنایع غذایی
- کارآفرینی توسط اسپرانتو با تأکید بر گردشگری - آقای Petr Chrdle، عضو کمیته اتحادیه جهانی اسپرانتو (جمهوری

چک)

• آیا امکان جذب اسپرانتیست‌های جدید از طریق گردشگری وجود دارد؟ - آقای Aldo Foa، نایب رئیس اسپرانتوی میلان

(ایتالیا)

Sukcesa internacia retseminario okazis en Irano kun partopreno de centoj kaj prelego de dekoj

Esperanto, enirejo al integra turismo

Reza Kheirkhah

Dum tri tagoj (inter la 27a kaj 29a de Aŭgusto 2021) okazis unika retseminario kadre de IKIKO kaj kun helpoj de UEA kaj IrEA. La organizanto estis Universitato de Tehrano, la plej grava kaj granda universitato en Irano. Tiu universitato ankaŭ havas gravan rolon en disvolviĝo de Esperanto antaŭ La Islama Revolucio en 1979 kaj kadre de ĝia Komunuma Universitato estis kursoj de Esperanto por insterestiĝantoj senkonsidere de aĝo de partoprenantoj.

* Vendredo: Prezento de Esperanto kaj spertoj uzante ĝin

En la unua tago prelegis d-ro Mohammad Gasem Manouĉehri (Fondinto kaj Ĝenerala Sekretario de la Monda Federacio de O-Sport). Lia prelego portis la titolon de "O-Sport" kaj ĝia rolo en turisma disvolviĝo. Tiu prelego, kiel la plej multo da aliaj en la sekvantaj tagoj, okazis en la persa lingvo kun Esperanta prezent-dosiero.

Antaŭ tiu prelego okazis malfermaj prelegoj de la estro de la departemento de turismo kaj aliaj koncernuloj tieaj pri Esperanto kaj ĝiaj utiloj kaj uzebloj por turismo. Ing. Mamduhi (nova prez. de ILEI) prezentis detale Esperanton, ĝiajn regulojn kaj facilecon.

Post tio venis vico de kelkaj iranaj esperantistoj por paroli pri siaj spertoj uzante Esperanton dum vojaĝoj kaj turismo. Inter ili estis S-ro Reza Kheirkhah, iama profesia Esperantisto (nun loĝanta en Tajvano) kiu parolis pri tiom da helpoj kiujn li ricevis dum vojaĝoj tutmonde. Ailin, lia filino ankaŭ raportis pri siaj spertoj de partopreno en IIK kaj amikiĝo kun multaj alilandaj junuloj tie. Poste aperis d-ro Keyhan Sayadpour, konata kiel irana Marko Polo, kiu vojaĝis al dekoj

La Universitato de Ŝirazo, kun helpo de UEA kaj kadre de IKIKO okazigas:

Internacia Ret-seminario pri "Esperanto kaj Interkultura Komunikado"

Ekde la 9-11 julio 2021

Kun prelegoj de Esperantistaj profesoroj en Esperanto kun sinsekvaj interpretadoj en la persa

La programo de la Ret-seminario:

Vendredon, la 9-an de julio

14:30-15:00 UTC **Enkondukaj Prelegoj**
 Prof. Vincente Miramón-Arrendo (IKIKO), la iniciatinto de BKIKO "Pri IKIKO"
 Prof. Duncan Chartes, la prezidento de UEA kaj interkultura komunikado per Esperanto
 Prof. Renato Corsetti, eksprezidinto de UEA kaj organizanto de la Ret-seminario: «Kio estas UEA?»

15:00-16:15 UTC
 Profesorino Ilona Koutny, El Adam Mickiewicz Universitato (AMU), Poznań. En: Pollando
 Preleg-titolo: Interkultura komunikado kaj Esperanto

17:00-18:15 UTC
 Profesoro Fernando Pita, El Universidade do Estado do Rio de Janeiro (UERJ). En: Brazilo
 Preleg-titolo: Rolo de esperant(igit)a literaturo kiel ponto inter kulturoj

Sabaton, la 10-an de julio

14:30-15:00 UTC **Enkondukaj Prelegoj**
 D-ro Javad Delghamian Asista profesoro pri Persaj Lingvo kaj Literaturo, konsilisto pri Internaciaj Rilatoj de la Ŝiraza Universitato; Siraza Universitato kaj internaciaj studentoj
 Salah Mohammadpour, doktoriĝa studento pri eduka filozofio, instruisto en la Universitato Farhangian, provinco Fars, kaj direktoro de la nuna ret-seminario: Esperanto, taŭga ilo por komparaj studoj kaj esploroj.

15:00-16:15 UTC
 Doktoro Sean O' Riain, El Ambasadro de Irlando en Vieno. En: Aŭstrio
 Preleg-titolo: Esperanto, por plifortigi lingvolernadon tra la mondo

17:00-18:15 UTC
 Profesoro Bengt-Arne Wickström, El Andrásy-Universitato Budapeŝto. En: Hungario
 Preleg-titolo: Efiĝo kaj justeco en lingvopolitiko

Dimanĉon, la 11-an de julio

14:30-15:00 UTC **Enkondukaj Prelegoj**
 D-ro Keyhan Sayadpour, infan-kardiologo kaj la prezidanto de IrEA: Interkulturaj aferoj inter esperantistoj
 Ing. Ahmadreza Mamduhi, arkitekto, urb-fisionisto, kaj la ĉefdelegito de UEA en Irano: Lingvo kaj Interkultura Komunikado

15:00-16:15 UTC
 Profesoro D-ro Bak Giwan (koreo), El Zaozhuang Universitato en Ĉinio. En: Ĉinio
 Preleg-titolo: Vivi kaj Instrui en Ĉinio kiel fremdlanda Esperantisto

17:00-18:15 UTC
 Doktoro Elisée Byelongo Isheloke, El Universitato de Kab-urbo & Universitato Espero de Kongo. En: Sud-Afriko & D. R. Kongo
 Preleg-titolo: La malbena aŭ bona pro eroj en la Kongo: kiel organizaĵoj inkluzive de Esperantaj povus helpi?

ligilo por eniri la Ret-seminaron en Zoom:
<https://us02web.zoom.us/j/85676217297>
 unven-Identigilo: 856 7621 7297
 asvorto: La nomo de nia komuna lingvo per

Ligilo por spekti vive la Ret-seminaron en la jutuba kanalo de UEAviva (kun 2500 abonantoj):
 Por ĉiuj 3 tagoj de la Ret-seminario, kiam ajn dum la Ret-seminario okazantas:
<http://youtu.be.com/UEAviva>
 Aŭ: Por la unua tago, la 9-an de julio, vendrede: https://youtu.be/pE3W4PxF_I
 Por la dua tago, la 10-an de julio, sabate: <https://youtu.be/SYOnXUB60IY>

da landoj por partopreno en medicinaj seminarioj kaj samtempaj renkontiĝoj kun lokaj esperantistoj de tiuj landoj.

Inter tiuj prelegoj inĝ. Mamduhi prezentis bazan Esperanto-gramatikon kaj ĝian prononcon. Interesa afero estis ke unu el la profesoroj de la departemento havis prelegon dum kiu li prezentis la utilecon de Pasporta Servo kaj detale prezentis ĝin.

* **Sabato: Iranaj allogaj lokoj kaj “Kiel vojaĝi kun malplena poŝo!”**

Hodiaŭ kelkaj iranaj esperantistoj kaj ne-esperantistoj prezentis kelkajn belajn kaj turismajn lokojn de Irano, i.a. Silvana kaj Uramanat, kiu estas registrita kiel Monda Heredaĵo de UNESKO. Inĝ. Mamduhi daŭrigis instruon de Esperanto kaj ankaŭ estis prelego pri unu irana tradicia sporto kaj ke tiaj tradiciaĵoj povus funkcii kiel turismaj allogaĵoj.

S-ro Payandeh klarigis kiel eblas kun malplena poŝo vojaĝi tra la mondo kaj tion eblas fari nur pere de Esperanto. Fakte dum la programaro de sabato unu irana esperantisto jam parolis pri siaj spertoj per tiu maniero!

* **Dimanĉo: Kontribuo de eksterlandaj esperantistoj**

Hodiaŭ post la kutimaj prelegoj pri iuj turismaj lokoj kaj tradiciaj kulturaĵoj de Irano kaj instruo de Esperanto venis la vico de eksterlandaj esperantistoj por allogi la partoprenantojn per siaj interesaj prelegoj:

Petr Chrdle, la honora membro de UEA kaj la prez. de Ĉeĥa Esperanto-Asocio prelegis pri “Entreprenado pere de Esperanto kun emfazo al turismo”. Zsofia Korody prez. de Germana ILEI kaj la komitat-membro de Esperanta urbo Herzberg parolis pri “Turismo per Esperanto” kaj fine d-ro Aldo Foa la posedanto de Karavana Esperanto en Italio prelegis kun la titolo: “Ĉu eblas verbi novajn Esperantistojn per turismo?”

La tri-taga retseminario estis tre unika kaj speciala ĉar por la unua fojo okazis tia seminario kun partopreno de tiom da ĉeestantoj ĉefe studentoj kaj profesoroj de universitato.



EVENTA SERVO

Diskonigu esperantajn eventojn tutmonde

از رویدادهای دنیای اسپرانتو
باخبر شوید، در نشست‌ها و
همایش‌های مورد علاقه خود
شرکت کنید، اسپرانتو را در عمل
به کار بگیرید و از هیچ رویدادی
جا نمانید:

<https://eventaservo.org/>

Nova Internacia Esperanto-Arkivo celas konservi la originalan Esperanto-heredaĵon por eterne.

Internacia Esperanto- Arkivo

I Historio

A *Fondaĵo Vanbiervliet*

La fondaĵo originas el la persona kolekto de Cesar Vanbiervliet (1905-1992), urba oficisto de Kortrijk (Belgio), kiu post la pensiigo reaktiviĝis kiel esperantisto kaj sukcesis lokigi sian personan esperanto-kolekton en la urba biblioteko.

La kolekto rapide kreskis kaj ĉirkaŭ 1990 ĝia amplekso ĝenerale estis menciita kiel "10.000 libroj kaj 10.000 jarkolektoj de revuoj".

Post la morto de Cesar nur en 1995 ekestis nova skipo de volontuloj. Bedaŭrinde la praktika subteno de la Fondaĵo iom post iom malkreskis ĝis nur restis la gastigado en ne tre komforta laborejo. Konsilanto de la urbo en raporto prezentita en 2012 i.a. menciis la Esperanto Fondaĵon, kiu laŭ li ne plu estu subtenata de la urbo. En la iam konstruota nova biblioteko ne plu estos loko por ĝi. Por ĝi tamen estis trovita solvo: la antverpena Heredaĵbiblioteko Hendrik Conscience. Poste ĝi akceptis transpreni ankaŭ grandan parton de la Fondaĵo Vanbiervliet. Parto de la restintaj libroj kaj revuoj iris al KADOC (Leuven), al AMSAB (Kortrijk) kaj al lokaj arkivoj. Ĉio kio restis, same de originaloj kiel de duoblaĵoj, kuniĝis kun la kolekto de Marc Vanden Bempt.

B *Kolekto Marc Vanden Bempt*

Marc komencis aĉeti kaj gardi librojn nur

ĉirkaŭ 1985. Ankaŭ revuojn li gardis, sed malpli aktive. La plej grandaj kreskoj estis pro aĉetado de brokantaĵoj, precipe ĉe UEA kaj FEL. Tra la jaroj pluraj esperantistoj transdonis sian Esperanto-bibliotekon aŭ parton de ĝi al ĉi tiu kolekto.

En 2016 Marc komencis transpreni duoblajn revunumerojn de Kortrijk. En la sama jaro li ankaŭ transprenis aron da revuoj de loka grupo en Valenciennes. En decembro 2018 la biblioteko CDELI en la Chaux-de-Fonds transdonis siajn duoblaĵojn. En 2014 kaj precipe en 2019 estis interŝanĝoj kun la biblioteko en Herzberg, al kiu iris granda nombro de duoblaĵoj. En la jaroj 2010-2020 ekestis kontaktoj ankaŭ kun bibliotekoj en Hispanio, Brazilo, Japanio kaj Francio pri interŝanĝado. En 2020 la fondaĵo Vanbiervliet devis likvidiĝi. Post la transprenado, fine de 2020 tiel estis 13.175 libroj, 7.520 plenaj revujaroj (de 960 titoloj) kaj 4.907 neplenaj revujaroj (de aldonaj 407 titoloj). Aldoniĝis miloj da duoblaj libroj kaj revunumeroj. **Tion ni povas do konsideri la kunigitan kolekton "Vanden Bempt - Vanbiervliet".**

En 2019 estis lanĉita propono transpreni la bibliotekon kaj fondaĵon Hodler de UEA. En oktobro 2020 la estraro de UEA disponis pri ĉiuj informoj por decido.

C *Internacia Esperanto-Arkivo (IEA)*

Internacia Esperanto-Arkivo, mallonge IEA,

estas *fondita en la -22a de januaro 2021* kaj oficiale aspc (asocio sen profitdona celo) ekde la 25-a de januaro 2021.

La tri administrantoj estas Bert Boon (Tienen), Roland Rotsaert (Brugge) kaj Marc Vanden Bempt (Winksele).

La ideo pri IEA ekestis jam komence de la 2000-aj jaroj, sed pliaktiviĝis en 2016 post kontaktoj kun japana biblioteko. En oktobro 2019 la plano iĝis pli konkreta; tiam en limigita rondo estis lanĉita la ideo de asocio kaj pluraj eblecoj estis esploritaj.

Fine estis decidita fondi asocion senprofitcelan laŭ belga leĝo kaj provizora konservado en propra domo. La baza ideo malantaŭ la kreado de jura persono estas unuflanke krei juran bazon por la kolekto de la Fondaĵo Vanbiervliet kaj aliflanke apartigi la kolekton Marc Vanden Bempt de lia fizika persono. Tra 2020 do estis preparita la fondado de aspc (asocio sen profitdona celo).

II Celoj

La Arkivo celas: kolekti, arkivi, protekti, administri kaj fari alireblaj librojn, revuojn kaj aliajn dokumentojn en kaj pri Esperanto kaj planitaj lingvoj, en sia originala formo. Tiu ĉi arkivo celas konservadon kiel heredaĵo, por nelimigita tempodaŭro.

Por atingi ĉi tiun celon, la asocio altiras arkivajn dokumentojn diversmaniere. Ĝi provizas medion (posedaĵon aŭ luadon) taŭgan por gardado en optimumaj kondiĉoj koncerne klimaton, sekurecon kaj simile. Detala inventaro de la arkivaj dokumentoj estas daŭre ĝisdatigata. Principe ne disponeblas pruntado, la aliro eblas surloke aŭ per aliaj vojoj, ekzemple skano.

Provizore la Arkivo povas resti en la nuna loko en la centro de Belgio (tuj apud Leuven), sed ĝi serĉas novan ejon konstruitan aŭ konstruotan laŭ la specifaj postuloj por arkiva konservado por eterne.

III Subteno

Ĉiu persono (esperantisto aŭ ne) estas petata subteni kiel AMIKO; MECENATO; AĈETANTO (de brokantaĵoj kaj "BRIKOJ"); eventuale KUNINVESTANTO kaj VOLONTULO (ekzemple por ordigi kaj plivastigi la kolekton). Detalojn vi trovas en la retejo, ĉe arkivo.eu

De via subteno dependas la realigado de la celo!

Bert Boon
koresponda peranto de IEA



جستجو

موضوع کارزار یا کد آن را وارد کنید...

درخواست اعلام روز ۲۶ ژوئیه به عنوان روز زبان اسپرانتو

کارزارهای فعال

کارزارهای غیرفعال

فهرست تمام کارزارها

کمپین جهانی درخواست از یونسکو برای تعیین رسمی روز ۲۶ ژانویه به عنوان روز جهانی اسپرانتو در بسیاری از کشورها با مکاتبه با کمیسیون‌های محلی یونسکو و نهادهای مرتبط با آن صورت پذیرفته است. در کشور ما نیز علاوه بر ارسال نامه به کمیسیون ملی یونسکو در ایران، کمپین جمع‌آوری امضا در پلتفرم «کارزار» تهیه شد که ظرف مدت یک ماه توانست ۳۲۵ امضا را ثبت کند. در زیر متن نامه‌ی ارسالی به کمیسیون ملی یونسکو در ایران را ملاحظه می‌کنید:



بین‌المللی شروع به استفاده از زبان اسپرانتو برای رسیدن به اهداف خود کرده‌اند. یونسکو از سال ۲۰۱۷ با همکاری UEA و از سال ۲۰۲۰ با چین نسخه اسپرانتوی نشریه «پیام یونسکو» را منتشر می‌کند. در سال ۲۰۲۰، کتاب «یونسکو از ایده‌ها تا اقدامات» را به اسپرانتو و با عنوان «۷۰ سال یونسکو» منتشر نمود. در آوریل ۲۰۲۱ نظرسنجی اسپرانتو در مورد آموزش آینده (روشنگری) را منتشر کرد که این پرسشنامه توسط اسپرانتیست‌های حدود ۱۰۰ کشور پاسخ داده شد. بیشتر آن‌ها از اقلیت‌های زبانی بودند، که برای اولین بار این شانس را داشتند که نظر خود را از طریق اسپرانتو و برای یونسکو بیان کنند. در ماه مه سال ۲۰۲۰، تیم مشاوران کمیته بین‌المللی آژانس بهداشت روان و گروه مشاوره پشتیبانی روانشناختی در بحرین (IASC MHPSS RG) در وبسایت IASC نسخه اسپرانتوی کتابچه «شما قهرمان من هستید: چگونه کودکان می‌توانند علیه بیماری کووید ۱۹ بجنگند!» را منتشر کرد. در سال ۲۰۲۱ سازمان بهداشت جهانی یک دوره اسپرانتویی درباره‌ی کووید ۱۹ در وبسایت خود راه‌اندازی کرد. این امر مشارکت اقلیت‌های زبانی را در امور جهانی بسیار تسهیل کرده است. همچنین برخی از سازمان‌های جهانی شروع به معرفی اسپرانتو کرده‌اند.

۳- کنفرانس عمومی یونسکو از اسپرانتو با دو قطعنامه‌ی IV.4,422 در مونته‌ویدئو در ۱۹۵۴ و C.11,11/233 در صوفیا در ۱۹۸۵ پشتیبانی کرده است. دبیرکل‌های یونسکو -از جمله آدره آزوله در سال ۲۰۱۸- بارها کنگره‌های جهانی اسپرانتو را تبریک گفته‌اند. در سال ۱۹۵۹ یونسکو خالق اسپرانتو، دکتر لودوویکو لازارو زامنهوف را شخصیت بزرگ بشریت اعلام کرده است.

اعضای محترم کمیسیون ملی یونسکو در ایران
با سلام

زبان جهانی اسپرانتو در ایران از سال ۱۹۰۰ میلادی شناخته شد. موسسه سیزاندیشان از سال ۱۳۷۵ تأسیس و در زمینه گسترش و آموزش این زبان در ایران فعالیت دارد. با توجه به اینکه ایران عزیز ما در یونسکو عضویت دارد و می‌تواند نظرات خود را ابراز دارد، به سفارش انجمن جهانی اسپرانتو (UEA) که در سال ۱۹۰۸ تأسیس شده و بزرگ‌ترین سازمان بین‌المللی برای اسپرانتودانان، با انجمن‌های محلی عضو در ۱۳۰ کشور، از جمله انجمن اسپرانتو در کشور ما، از شما درخواست داریم که توصیه نمایید تا در چهل و یکمین نشست مجمع عمومی یونسکو، با توجه به حقایق زیر، روز ۲۶ ژوئیه را به عنوان روز جهانی اسپرانتو اعلام کنند:

۱- در ۱۶ ژوئیه ۱۸۸۷، دکتر لودوویک لازاروس زامنهوف در لهستان (آن زمان بخشی از امپراتوری روسیه) پروژه زبان «اسپرانتو» را منتشر کرد. در طی ۱۳۴ سال پس از تاریخ مذکور، این زبان به گسترده‌ترین زبان برنامه‌ریزی شده بین‌المللی تبدیل شده است. طبق داده‌های انجمن جهانی اسپرانتو (UEA)، سخن‌گویان به اسپرانتو شامل افراد، سازمان‌های حرفه‌ای و ملی در حدود ۱۵۰ کشور جهان یافت می‌شوند.

بر اساس برخی تحقیقات، حدود دو میلیون گوینده این زبان در سراسر جهان وجود دارند. همه ساله در سراسر جهان روز ۲۶ ژوئیه به عنوان روز اسپرانتو به طور جدی و به روش‌های مختلف گرامی داشته می‌شود.

۲- در سال‌های اخیر، یونسکو و سایر سازمان‌های

یونسکو طی سی و هشتمین جلسه کنفرانس عمومی خود در سال ۲۰۱۵ تصمیم گرفت که در کنار موارد دیگر، صدمین سالگرد مرگ لودویک زامنهوف باید تحت حمایت یونسکو باشد. در دسامبر ۲۰۱۷ صدمین سالگرد درگذشت وی در سالن یونسکو گرامی داشته شد.

۴- اسپرانتو کمک زیادی به آموزش کرده است. این زبان وارد برنامه درسی بسیاری از مراکز آموزشی، از مدارس ابتدایی تا سطوح بالای آموزش، از آمریکا تا آفریقا و از اروپا تا آسیا شده است. برخی از کشورها مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا را به اسپرانتو ارائه می‌کنند. حدود ۳۰۰۰ نفر از ۷۶ کشور از آزمون‌های سیستم استاندارد آموزش زبان اروپا (KER) دیپلم اسپرانتو دریافت کرده‌اند. کودکان آفریقایی نیز از طریق کتاب‌های اسپرانتو که از سراسر جهان اهدا می‌شود آموزش می‌بینند.

۵- اسپرانتو کمک بسیاری به فرهنگ‌ها کرده است. با کمک همکاری و تلاش‌های انجمن جهانی اسپرانتو (UEA) برای یونسکو، ترجمه‌های اسپرانتو از تقریباً ۶۲ شاهکار ادبیات جهان در مجموعه «شرق و غرب» (کمک به برنامه یونسکو برای مطالعه متقابل و قدردانی از فرهنگ‌ها، شامل کتاب گلچین ادبیات پارسی و ترجمه گلستان سعدی به اسپرانتو) فرهنگ‌نامه‌های چندزبانه، کتاب‌های درسی، بسیاری از کتاب‌ها و نشریات دوره‌ای در مورد فرهنگ‌ها و علوم منتشر شده است. در فروشگاه کتاب و کتابخانه UEA، موزه اسپرانتو در وین، موزه Zhaozhuang اسپرانتو در چین، به طور خاص حدود ۴۰ هزار کتاب اسپرانتو وجود دارد. تعداد بی‌شماری کتاب و نشریه اسپرانتو در سراسر جهان یافت می‌شود. بسیاری از کشورها حتی کالاهایی با مارک تجاری اسپرانتو، تمبر، کارت پستال، آثار هنری یا کالاهای دیگری با توضیحات به اسپرانتو تولید کرده‌اند. عنوان «اسپرانتو» به جنگل‌ها، باغ‌ها، پارک‌ها، اتوبوس‌ها، مترو، قطارها، هتل‌ها، خیابان‌ها و حتی یک شهر در برخی کشورها اطلاق می‌شود.

۶- در کنگره‌های جهانی اسپرانتو که سالانه در کشورهای مختلف جهان برگزار می‌شود فرصت مکالمه مستقیم، سخنرانی و یا برقراری ارتباط بدون استفاده از مترجم در شرایطی آسان، منصفانه، برابری طلبانه و بی‌طرف، به ویژه برای کسانی که زبان‌های رسمی سازمان ملل را نمی‌دانند و اعضای «زبان‌های اقلیت»، به راحتی با سرمایه‌گذاری وقت و انرژی نسبتاً کم فراهم می‌شود. «کنگره‌های جهانی اسپرانتو» تاکنون ۱۰۶ بار برگزار شده است که در هر یک از این کنگره‌ها از صدها تا ۵۰۰۰ نفر از قریب به ۱۰۰ کشور شرکت می‌کنند. گویندگان اسپرانتو می‌توانند به راحتی آثار خود را در قاره‌های دیگر منتشر کنند.

۷- بر اساس فرهنگ لغت جامع اسپرانتو (PIV)، زبان اسپرانتو دارای ۱۶ قاعده اساسی، ۱۵۲۰۰ کلمه کلیدی و ۳۹۴۰۰ واحد واژگانی است که از این تعداد ۲۵۰۰ ریشه کلمه در موارد روزمره معمول استفاده می‌شود. در زبان اسپرانتو و با به‌کارگیری آوندهای محدودی به راحتی می‌توان واحدهای واژگانی بی‌شمار و به آسانی قابل فهم را برای بیان رسای هر مفهومی در مورد چیزهای مختلف جهان، از جمله مفاهیم تازه‌ظهور یافته، در دسترس داشت. فرهنگ‌های لغت چندزبانه اسپرانتو به تمام زبان‌های اصلی جهان تهیه و منتشر شده‌اند.

۸- چندزبانگی، ارزش اصلی سازمان ملل متحد، یک عامل اساسی برای برقراری ارتباط هماهنگ بین مردم است که باعث ایجاد وحدت در تنوع و درک، تحمل و گفتگوی بین‌المللی می‌شود. مجمع عمومی سازمان ملل متحد، در قطعنامه ۳۲۸/۷۱ خود در مورد چندزبانگی در تاریخ ۱۱ سپتامبر ۲۰۱۷، از اجرای روزی که به هر زبان رسمی آن اختصاص داده شده است برای اطلاع‌رسانی و آگاهی از تاریخ، فرهنگ و کاربرد آن استقبال کرده و وزرای فرهنگ را تشویق می‌کند تا در سطح عمومی و نهادهایی مانند یونسکو به فکر گسترش این ابتکار مهم به سایر زبان‌های غیررسمی دارای گویش‌ور در سراسر جهان باشند.

۹- اعلام روز جهانی اسپرانتو بار مالی برای یونسکو نخواهد داشت. انجمن جهانی اسپرانتو (UEA) خود فعالیت‌های مربوط به اعلام روز جهانی اسپرانتو در یونسکو را انجام خواهد داد.

۱۰- یونسکو نقش فعال و سهم مهمی در ارتقای ارزش‌های چندفرهنگی در آموزش/روشنگری، زبان و فرهنگ اسپرانتو دارد. اسپرانتو نقش مهمی در تبلیغات دارد.

لازم به ذکر است که ایران یکی از چند کشوری است که برای ارائه این پیشنهاد به یونسکو انتخاب شده است. علت این انتخاب وجود اسپرانتودانان زیاد در ایران و سابقه تاریخی کشور ایران در جنبش اسپرانتو است. در دهه ۲۰ میلادی و در اولین اجلاس جامعه ملل، نمایندگان ایران پیشنهاد دادند تا زبان اسپرانتو به عنوان زبان مراودات بین‌المللی انتخاب شود. در بین این مبحث حمله‌های شدیدی به اسپرانتو شد. به ویژه هیأت فرانسوی هیاوهی بسیاری بر ضد این طرح راه انداخت. از نگاه فرانسویان، زبان فرانسه باید زبان بین‌المللی می‌شد.

با توجه به موارد ذکر شده خواهشمندیم این پیشنهاد را در مجمع عمومی یونسکو اعلام کنید.

با تشکر

موسسه سبزاندیشان

Oftaj Demandoj pri «Kripta Monero»

Hamzeh Shafiee

Kio estas kriptaj moneroj?

Kriptaj moneroj ekestis kiel nova speco de valuto en 2009. Ili ne estas fizike stampitaj aŭ presitaj, kiel ordinaraĵoj monbiletoj kaj moneroj. Kriptaj moneroj estas ciferecaj, kio signifas, ke ili nur ekzistas elektronike. Uzi ilin kiel moneron bezonas ciferecan aparaton kiel inteligenta telefono, tabulkomputilo aŭ komputilo.

De kie venis kriptaj moneroj?

La unua kriptaj monero, Bitcoin, estis lanĉita en 2009. Ĝi estis kreita de iu nekonatulo nomata Satoshi Nakamoto por igi nova speco de ĉiutaga valutŝanĝo, sed pure cifereca.

Kiam vi diras "cifereca valuto", ĉu tio estas la sama afero kiel mi pagas per mia kreditkarto aŭ pagas fakturojn interrete?

Ne, ĉi tiuj estas diversaj aferoj. Kiam individuo uzas kreditkarton, pagas fakturon interrete aŭ uzas aliajn virtualajn pagmanierojn, ili probable pagas per nacia valuto. La mono kaj banka sistemo baziĝas sur naciaj valutoj.

Kiel kripto-moneroj diferencas ol tradicia mono?

Kriptaj moneroj estas tute malsamaj ol la tradicia mono, kiun ni uzas hodiaŭ, sed ĉi tio ne nepre estas ĉar ili estas ciferecaj. Ankaŭ tradiciaj monoj fakte estas plejparte ciferecaj hodiaŭ, kun nur procenteto fizike cirkulantaj. La tri ĉefaj diferencoj inter tradicia mono kaj kriptaj moneroj estas kiel ili estas 1) uzataj, 2) kreitaj kaj kontrolitaj kaj 3) sekurigitaj. Sube mi klarigas iom pli pri tiuj ĉi tri:

1- Uzo

- Tradicia mono - Tipe ekzistas kaj elektronike kaj fizike.
- Kriptoalutoj - Ekzistas elektronike nur. Interŝanĝi ilin bezonas ciferecan aparaton kiel inteligenta telefono, tabulkomputilo aŭ komputilo.

2- Kreo kaj kontrolo

- Tradicia mono - Kreita, spurita kaj kontrolita de registaroj. Ĉi tio nomiĝas centralizita sistemo, kaj ĝi estas la maniero, kiel plej multaj landoj



funkcias per mono. Registaroj kontrolas ĉiujn aspektojn de siaj monaj sistemoj, de presado de mono (ĉu fizika aŭ cifereca) ĝis kreado de bankaj reguloj kaj fiksado de interezaj normoj ĝis spurado de fraŭdo.

- Kriptaj moneroj - La vasta plimulto estas kreita ekster registaraj monaj sistemoj. Ili estas konstruitaj sur unika aro de teknologioj, kiuj kreas, spuras kaj regas la regulojn ĉirkaŭ la valuto. Kriptoalutoj loĝas en tutmonda komputila reto, alirebla por ĉiuj uzantoj kaj ĉiuj interesatoj. Ĉi tio nomiĝas malcentralizita sistemo.

3- Sekureco

- Tradicia mono - Centralizitaj registaraj monaj sistemoj estas sekurigitaj per blokado de eblaj malbonaj aktoroj. Nur aprobitaj registaraj subtenataj institucioj (bankoj, financaj institucioj, ktp.) havas aliron.
- Kriptoalutoj - Malcentralizitaj monaj sistemoj estas sekurigitaj invitante ĉiujn eniri sin reciproke ĉar ili fidus neniun aŭtoritaton.

Kiom da kriptaj moneroj estas?

Hodiaŭ estas pli ol 9.000. La merkata kapitaligo de la industrio kreskis de laŭvorte \$ 0 en 2009 ĝis \$ 1,3 trilionoj hodiaŭ. Bitcoin nuntempe estas ege la plej granda je 600 miliardoj da usonaj dolaroj, reprezentante 45% de la industrio.

Kial intereso kreskis inter investantoj?

Ni kredas, ke la teknologio povus lanĉi la sekvan ciferecan eraon. Ĝi nuntempe funkcias per vasta gamo de cifereca valoro; de mono (ordinara

mono), akcioj, arto, kantoj, asekuroj, landaj titoloj, kaj eĉ voĉdonoj. La teknologio eble transportos niajn fizikajn kaj ciferecajn mondojn kiel nenion antaŭ ĝi, kaj sennombraj industrioj povus esti interrompitaj.

Kio ofte konfuzas novajn investantojn estas havi moneron en la nomo "kripta monero". "Ciferecaj aktivaĵoj" eble estas pli taŭga nomo por industrio, kiu traktas ĉiajn ciferecajn valorojn.

Ĉu vi povas klarigi, kion faras la teknologio?

La baza teknologia platformo estas desegnita por stoki kaj trakti ciferecajn datumojn aŭ ciferecan valoron. La platformo estas unika pro tio, ke komputila kodo strikte plenumas la regulojn, kiujn malplenigas multe da homa juĝo. La teknologia platformo estas malferma kaj travidebla, tamen estas sekura kaj privata. La kvar ŝlosilaj ingrediencoj estas: 1) kriptaj moneroj, 2) blokĉenoj, 3) kriptografio kaj 4) malcentralizado. Ni komencos kaj finos per kriptaj moneroj. Kvankam ĉiu kripta monero estas konstruita iom alimaniere, ĝi ĝenerale funkcias tiel:

Peco de cifereca valoro estas kreita, nomata kripta monero. La kripta monero estas stokita sur cifereca ĉeflibro, nomata blokĉeno. Ĉiuj kriptaj monero-transakcioj estas spuritaj, stokitaj kaj kunfanditaj ene de la blokĉeno. Ĉi tio kondukas nin al tio, kio estis la unua ŝlosila sekureca funkcio - forigi transakcion de blokĉeno povas esti tre malfacile, kio malfaciligis fraŭde akiri valuton simile.

Alia grava sekureca funkcio estis, ke blokĉenoj estas malfermitaj por ĉiuj interesataj vidi kaj ekzameni. Ĝi estas sekureca sistemo, kiu invitas ĉiujn eniri sin reciproke, ĉar ĝi fidus neniun ununuran aŭtoritaton (ĉi tio estas tre malsama ol la centralizita maniero kiel plej multaj aferoj estas sekurigitaj hodiaŭ).

Tria kerna sekureca trajto de la platformo estis, ke plej multaj blokĉenoj estas malcentralizitaj, kio signifas, ke ili ne estas tenataj en unu centra loko aŭ kontrolitaj de unu aganto. Kopioj de la blokĉeno disvastiĝas tra tutmonda komputila reto, speco de komunumo, kie iu ajn interesato povas konservi kopion.

Kvare, individua privateco estas protektita per "kriptografio". Dum malferma komunuma

kontrolado necesas por konservi la ciferecan ĉeflibron preciza kaj travidebla, neniuj uzus la sistemon se individua privateco ne estus protektita. Por ripari ĉi tion, ĉiu individua transakcio sur blokĉeno estas sekurigita en kriptografio. Kriptografio, kiu esence signifas sekretan verkadon, estis uzata de jarcentoj por protekti personajn mesaĝojn kaj komunikadojn. Cifereca kriptografio tenas individuajn identecojn kaŝitaj kaj la kripta monero alirebla nur inter la celitaj partioj. Aliri la kriptogita monero postulas forigon de la kripta ŝlosilo. Por fari tion, necesas pruvo de identeco, nomata cifereca subskribo. Ĉi tiu identiga pruvo ne estas io, kion povas influi malbona aktoro. Cifereca subskribo estas unika por la individua posedanto, kaj ĝi estas protektita per longa paskodo (12 hazardaj vortoj) konata nur de la posedanto.

Laste, kiel kripto-moneroj estas projektitaj, kaj finfine taksataj, povas helpi ankaŭ sekurigi la platformon. Ju pli valora estas la kripta monero, des pli multaj partoprenantoj volas aliĝi. Ĉi tio kutime kondukas al pli da komputiloj kontrolantaj kaj validigantaj transakcioj, kaj pli forta komputila reto (nomata haka potenco) pli rezistema al atako.

Ĉu vi povas doni al ni ekzemplon pri kiel kripta monero povas esti uzata?

Ni antaŭvidas, ke ekzistas sennombraj fizikaj aktivaĵoj, kiuj povus transformiĝi en ciferecajn aktivaĵojn. Prenu domajn dokumentojn kaj titolan asekuron, ekzemple. En la estonteco, domaĉetantoj eble ne ricevos fizikan faron sed ciferecan. Ĝi venus en la formo de kripta monero, aŭ ĉifrita, kiu povus esti tenita en la privata cifereca monujo de la posedanto 1. Aĉeti aŭ vendi la hejmon probable postulus la personan ciferecan subskribon de la posedanto por transdoni la faron. Ĉi tiu ĉifrita kodo povus esti registrita sur la publika distrikta blokĉeno por ke ĉiuj vidu. La urbo povus regule ĝisdatigi permesitajn entreprenistajn laborojn kaj posedaĵojn, kiujn nova domaĉetanto kaj hipotekpruntedonanto povus vidi antaŭ ol oferti. Titola asekuro estas nur unu industrio, kiun ni kredas, povus esti transformita per ĉi tiu teknologia platformo malferma kaj travidebla, tamen sentema al la privataj informoj de kliento kaj sekura.



Veturoj kaj memoraĵoj!!(3)

Verkis: Nazi Solat

Veturo al Duseldorfo¹ kaj vizito de K²o !

Mi akompane mian estron vizitis “K”-foiron kiu estis/as la plej grava faka foiro plastika/guma de la mondo! Sed fakte ni aparte veturis!! Ĉar rekomendinte al li ke ankaŭ bonus mia vizito, li nur ĵetis mokig-subrigardon al mi kaj nenion diris al mi! Do mi petis redaktor/posedinton de faka ĵurnalo kun kiu mi kunlaboris kaj petis lin aranĝi raportistan vizon por mi!

Do mi ne havis tranoktejon!

Mi trarigardis PS-on kaj trovis nomon de Didier Izacad en Duseldorfo kaj post preni lian retan konfirmon, mi ekis mian veturon.

Elirinte de metro-stacidomo en Duseldorfo mi ektrovis ke mi jam lasis mian tel-karton en telfonejo de metroo kaj plu ne povis kontakti kaj trovi loĝejon de Didier!!

En sama strato kie mi vagadis kaj pensis pri mia

urĝa posta paŝo, situis oficejo de polico! Do mi sen prokraste iris ĉe tablo de respondeculino!

Mi petis ŝin permesi min telefoni al Didier. Unue ŝi neis kaj post mia insisto, kontaktis sian estron kaj poste telefonis al la numero kiun mi donis ŝin!

Mi tra vitra pordo de policejo vidis junan viron alproksimiĝantan al la oficejo kies vizaĝo ne estis gaja.

Ĉe oficejo la policanino diris:

-Jen Didier Izacad!

Ni post saluto kune eliĝis kaj li permane montris aliflankon de la strato kaj diris:

- Jen mia loĝejo!

- Oh! Ĉu mi estis ĉi tiel proksime al mia celo?

- Laŭplane vi devus tranokti ĉe mia amikino “Anne” kies loĝejo situas malsupre de sama strato. Sed ĉi-nokte ŝi havas koncerton (ŝi ludis trumpeton). Se vi

1 - Duseldorfo estas la ĉefurbo de la subŝtato Nordrejn-Vestfalio kaj situas en okcidenta Germanio. Ĉi tiu urbo estas la sepa plej granda urbo en la lando. Krom urba beleco, Duseldorfo ankaŭ estas komerca, financa centro kaj estas mondfama en la mondo de modaj kaj komercaj foiroj. (K) Düsseldorf Guma kaj Plastika foiro montras plej lastajn progresojn de kaŭĉukajn kaj plastajn kompaniojn de la tuta mondo.

2- Foiro K-o estas la plej granda evento en la kaŭĉuka kaj plasta industrio kaj estas bona loko por montri la evoluojn en ĉi tiu kampo.

ne havus ian problemon, vi povas tranokti ĉe mia loĝejo.

- Mi ne havas ian problemon, se vi komfortos.

- Ne! ne ekzistas ia problemo. Mi normale frumatene foriras kaj malfrue revenas hejmen post mia laboro. Ĉu vi scias ĉe ni estas malbone ke oni kontakti nin de policejo!

- Oh!!! Pardonon!

- Ne okazos ia problemo, nur estas malbone!

Ĉi tie estas mia ĉambro kiun vi povas uzi, tie banĉambro kaj tukoj, ĉi tiuj estas miaj libroj kaj ... (Ĉi tiel li bonvenigis min kaj prezentis sian loĝejon kaj ĝian enhavon al mi).

Bonŝanse estis nur unu metro-stacio ĝis la foirejo, dum mia estro mendis loĝejon en Bukum kiu postulis lin ĉiutage du horojn por iri kaj reveni (laŭ lia konfeso)!! Post du tagoj lia protesto komenciĝis kaj demandis min ĉu ne ekzistas alia loĝloko ĉe loĝejo de via amiko?

Certe ne ekzistis! Sed mi ne demandis Didier pri tiu afero! Eĉ ne petis lin demandi "Anne" ĉu mi povus translokiĝi tie kaj mia estro anstatuigi min ĉe Didier! Mi eĉ ne pensis pri tiu afero! Mi tute ne emis helpi lin, kiu esence estis kontraŭ mia vizito de foiro!

Revene, faka rezulto de nia vizito estis tiom fruktodona ke la estro de kompanio pagis bilet-kotizon mian (p. duono de mia monata salajro tiama) kaj post tri jarojn kiam alifoje okazis K-foiro ili sendis du virinojn ankaŭ! Tiam mi ne plu deĵoris en sama laborejo, sed mi havis/as rilaton kun miaj pasintaj kolegoj.

Mia eksestro mem telefonis min kaj donis min informon, eventuale cele bedaŭrigi min!

Anne kaj Didier ambaŭ estis franc-devenaj homoj kiuj loĝis en Germanio. Post kelkaj jaroj Didier petis mian helpon viziti Iranon. Kompreneble mi jesis kaj ankaŭ helpis ilin viziti kelkajn aliajn urbojn en kiuj mi havis geamikojn (eĉ neesperantistoj, ĉar ili bone kapablis paroli angle)

Entute tiu veturo estis ege fruktodona por mi;

Didier tre malfrue revenadis de sia laborejo kaj pro

tio ke mi povis uzi lian libraron, mi tralegis parton de libro nome "Vualo de silento" kiun poste li donacis min kaj mi finfine tradukis tutan libron kaj disdonis ĝin rete (ĉar mia amiko kiu profesie estas eldonisto rekomendis min ne pensi pri eldoni ĝin ene de nia lando!!).

Li delonge havis longdaŭran sperton en esperantujo kaj pere de li, mi konatiĝis kun multaj eŭropaj geesperantistoj. (Unu interesa kazo estis konatiĝo kun Ella kaj Edy, pola/belga geedzoj. Mi poste priskribos pri interesa momento kiam ni trovis unu la alian, ĉe kiuj mi gastigis reveninte de veturo al Pollando/Germanio). Poste ni fariĝis tre sinceraj geamikoj kaj kune ni plenumis kelkajn entuziasmoplenajn programojn en Kopenhago kaj Lilo. (Interesa afero estis tio ke ĉiuj liaj geamikoj konis min kiel la persono kiu facile kaj rapide sinturnas al polico!)

Mi multon lernis de lia konduto kiu sperte gastigadis multajn gastojn tutmondajn; ekz. li facile donis min ŝlosilon de sia hejmo (Ni kutime ne agas tiele kontraŭ tiu kiun ni ne komplete konas) pro tio ke mi esti pli libera! Kiam mi decidis lasi lian domon kaj viziti mian amikino en Amsterdamo, li ne estis hejme kaj matene antaŭ foriro rekomendis min "nur ĵetu ŝlosilon en poŝkesto mia ĉe la pordo"!

Kiam ili tranoktis ĉe mi, mi laboradis dum tuta tago. Ili spektante ke mi sendepende kaj vivas kaj laboras kiel virina enĝinerino, tre pozitive propagandis favore al mi inter niaj esperantistaj geamikoj. Tiuĉi punkto estis tre grava por mi dum tia negativa etoso por iranoj, precipe pri virinoj! Kelkfoje mi devis respondi demandojn same kiel:

- Ĉu vi vere estas inĝiniero? - Kiel vi marŝas sur kamelo? - Kiel vi deĵoras en fabrikejoj?

Ilia veturo al Irano samtempis kun specialaj tagoj de 13-an de Farvardin kaj Aŝura³, kiam ni normale okazigas specialajn ceremoniojn.

Dum unuaj kontaktoj de Didier mi avertis lin pri tiuĉi afero; preskaŭ ĉie estos fermitaj okaze de feriado nia pro novjaro kaj pro Aŝura! Sed li asertis ke precipe ni deziras konatiĝi kun ĉitijaj specialaĵoj!

Do, post ilia alveno kaj iomete ripozo, ni tagmanĝis kaj posttagmeze ni ekis al Darabad⁴-regiono cele

3- Aŝura, la deka tago de la monato Muharram en la kalendaro Hijri, estas la sankta tago de islamanoj (grava funebro por ŝiiaistoj). Imam Hosejn la tria Imamo de ŝiistoj en Karbala estis mortigita dum batalo kun la armeo de Omar Sa'd. Ŝiistoj funebras en ĉi tiu tago. La sunaistoj konsideras Aŝura la datreveno de la tago, kiam Moseo transiris la Ruĝan Maron kaj li kaj liaj sekvantoj transiris ĝin, kaj ili konsideras ĉi tiun tagon honora; fasti en ĉi tiu tago estas tradicio.

4 - Darabad estas unu el la kvartaloj de Tehrano, kiu situas en la nordo de ĉi tiu urbo. Darabad estis konsiderata kiel unu el la vilaĝoj ĉirkaŭ Tehrano. Ĝi superrigardas la montaron Toĉal de la nordo. Darabad Beach Park estas unu el la plej belaj parkoj en Tehrano.

Uojaĝo

rigardi cermoniojn de 13-a de Farvardino⁵! Normale oni iras ekster-hejme kaj manĝas en naturo, ludas diverse, kelkaj grimpas mallonge ,...

Survoje ili sukcesis rigardi kiel popoloj kunvenas kaj festas gaje kaj kune, eĉ apud bela strato de Niavaran-strato en vorda parto de Tehrano.

Post nia reveno hejmen, mi bakis terpomon cele prepari terpoman kotleton por nia vespermanĝo.

Komence de vespero, komenciĝis speciala ceremonio de Aŝura; oni grupe marŝas kaj kantas specialan kanton kaj samtempe batas sin pere de ĉeno metala,...

Mi iris ĉe ĉefo de grupo kaj salutinte prezentis miajn geamikojn kaj petis permeson preni filmon kaj foton pere de ili!

Li gajiĝis kaj ordonis grupon pli efike bati sin kaj plikomplete funebri okaze de datreveno de mortigo de Imam-Hosejn!

Revene mi preparis terpoman kotleton kaj Anna surprize demandis min; kiel vi miksis terpomon kaj ovon?!!

Poste mi kontaktis miajn geamikojn en Isfahano, Ŝirazo kaj ili ankaŭ memzorge vizitis Jazdon kiu ege plaĉis al ili!

Reveninte Teheranon, ni iomete vagadis vidindaĵojn de Tehrano kaj poste ili revenis hejmen siajn!



En Saii Park kun "Anne" kaj "Didier"

5- Dektria tago de Farvardin estas unu el la festoj de Novruzo (komenco de nova jaro) en Irano. En la oficialaj kalendaroj de Irano, post la revolucio, ĉi tiu tago nomiĝas Tago de la Naturo kaj okazas oficiala feria tago.

Aŭskultu pli ol 10 diversajn radio-kanalojn en Esperanto!

Mojosa tuttempa
esperanta retradio



Muzaiko

Muzaiko, la tuttempa tutmonda tutmojosa retradio en Esperanto, kun muziko, novaĵoj, informoj, raportoj, arkivaĵoj kaj multe pli:

- Kaliningrada E-radio (Rusio)
- 3ZZZ en Esperanto (Aŭstrio)
- Krokoloko (Ĉilio)
- Pola Retradio (Pollando)
- Radio Havano Kubo (Kubo)
- Radio Vatikana
- Radio Verda (Kanado)
- Varsovia Vento (Pollando)
- Verda Stacio (Ĉeĥio / Slovakio)
- Vinilkosmo (Francio)
- Herzberg am Harz - la Esperanto-urbo (Germanio)

Por ĉiu kanalo oni povas elekti ne nur inter la diversaj lastatempaj podkasto, sed ankaŭ legi pri la podkasto kaj spekti la hejmpaĝojn de ili.

Vi povas eĉ uzi la programon kiel vekhorloĝo, tiel ke via preferata kanalo aŭtomate ekludiĝos je via preferata horo.

Por pliaj informoj vizitu la propran retpaĝaron de la servo:

<http://muzaiko.info/>

سفرها و خاطره‌ها (۳)

نازی صولت



سفر آلمان و بازدید نمایشگاه دوسلدورف^۱

این بازدید فنی به همراه مدیر کارخانه کابلسازی ایران که در آن مشغول به کار بودم، انجام گرفت. با این توضیح که کارخانه، مقدمات آن را فراهم نکرد و من ویزا را به وسیله مجله تخصصی که در آن کار می‌کردم و از طریق اتاق بازرگانی ایران و آلمان، گرفتیم. در نتیجه محل اقامت نداشتیم.

به سراغ دفتر خدمات پاسپورتی، رفتم و در دوسلدورف، گزینه Didier Izacad را پیدا کردم و بعد از تماس و موافقت، راهی شدم.

وقتی از قطار پیاده شدم، متوجه شدم که کارت تلفنی را که در فرودگاه تهیه کرده بودم، جا گذاشته بودم و امکان تماس با دیدیر نداشتیم تا به خانه اش راهنماییم کند.

در همان خیابانی که سرگشته، دنبال راه حل می‌گشتم، متوجه اداره پلیس محلی شدم. رفتم به خانم مسوول پشت باجه، مساله رو گفتم و خواهش کردم به شماره دیدیر زنگ بزند تا مرا راهنمایی کند.

مخالفت کرد و با رییسیش تماس گرفت. بعد از گرفتن اجازه، خودش تماس گرفت.

از در شیشه‌ای اداره پلیس می‌دیدم که جوانی با قیافه گرفته به اداره نزدیک می‌شد. وارد شد و پس از سلام به مامور پلیس، رو به من کرد. پلیس هم به آرامی، ما را به هم معرفی کرد. پس از سلام و احوالپرسی کوتاه، با هم از اداره خارج شدیم. دیدیر، با دست به سمت دیگر خیابان، اشاره کرد و گفت:

- خانه من روبروی اینجاست!!!

- اوه! واقعا من اینقدر نزدیک بودم!!!

- تو قرار بود منزل دوست من خانم «آن» اقامت کنی که منزلش پایین همین خیابانه. «آن» امشب کنسرت داره و اگر برات مشکلی نیست می‌تونم در خانه من بمانی!

- برای من مشکلی نیست، اگر تو راحتی.

- نه! هیچ مشکلی نیست. من صبح زود میرم سرکار و بعد از ظهر برمی‌گردم. می‌دونم چیه؟ ما برامون بده که از اداره پلیس بهمون زنگ بزنند!

۱- دوسلدورف مرکز ایالت نوردراین-وستفالن است و در غرب آلمان واقع شده است. این شهر هفتمین شهر بزرگ کشور است. دوسلدورف علاوه بر زیبایی شهری، یک مرکز تجاری و مالی نیز هست و در دنیای مد و نمایشگاه‌های تجاری، شهرت جهانی دارد. (K) نمایشگاه لاستیک و پلاستیک دوسلدورف آخرین پیشرفت‌های شرکت‌های تولید پلاستیک و لاستیک از سراسر جهان را نشان می‌دهد.

- آه بخشید!

- اشکال نداره! مشکلی پیش نمی‌آد فقط خوب نیست!

- خب این اتفاق تو، این هم حمام و سرویس بهداشتی و این هم کتابخانه من که می‌توانی استفاده کنی....

خوشبختانه منزل دیدیر تا نمایشگاه دوسلدورف، فقط یک ایستگاه مترو، فاصله داشت در حالیکه مدیر کارخانه در کلن سکونت گرفته بود و برای رفت و بازگشت به نمایشگاه، دست کم طبق گفته خودش، دو ساعت در راه بود!! بعد دو روز اول، صدای اعتراضش بلند شد و پرسید، منزل دوستت برای من جا نیست؟

البته که جا نبود! ولی راستش من اصلاً از دیدیر سوال نکردم که آیا دوست دیگری دارد که بتواند کمک کند! شاید خونه «آن» هنوز خالی بود و من می‌توانستم جابجا شوم تا مدیرم بیاید خونه دیدیر! ولی حتی به این مساله فکر هم نکردم! اصلاً نمی‌خواستم کمکی کنم به کسی که اصولاً با آمدن من به نمایشگاه فنی، مخالف بود و اولین بار که گفتم، با حالت مسخره کردن همراه با تعجب، فقط نگاهی از گوشه چشم بهم انداخت که منم تکرار نکرده و از سردبیر مجله فنی که با آن همکاری داشتیم، برای دریافت ویزای خبرنگاری درخواست کمک کردم!

در بازگشت، دستاورد فنی سفر به حدی خوب بود که اولاً پول بلیط را که خودم پرداخت کرده بودم (تقریباً نیمی از حقوق ماهانه‌ام) به من دادند، و دوره بعد نمایشگاه که سه سال یکبار برگزار می‌شود، دو خانم هم فرستادند. من آن زمان محل کارم را عوض کرده بودم ولی با مدیر و همکاران قبلی در تماس بودم! با همکاران آن زمان هنوز هم تماس خوبی دارم و کلی برنامه‌های گلگشتی و مسافرتی داشته و دارم!

خود مدیر به من زنگ زد و خبر داد!! احتمالاً برای سوزاندن دل من!!!

کلاس سفر آلمان و آشنایی با دیدیر، فرصت بسیار خوبی برایم بود.

- در فاصله‌ای که از نمایشگاه برمی‌گشتم، چون دیدیر خیلی دیرتر می‌آمد، کتابخانه مفصلش در اختیارم بود که من شروع به خواندن کتاب "Vualo de silento" کردم. بعدها کتاب را دیدیر به من هدیه کرد که نهایتاً کل کتاب را ترجمه کردم.

- در دنیای اسپرانتو از من خیلی باسابقه‌تر بود و باعث آشنایی‌ام با بسیاری دوستان اروپایی‌اش شد که بعدها

بارها در گردهمایی‌های مختلف یکدیگر را ملاقات کردیم. (جالبه که همه، مرا به عنوان کسی که زود به پلیس مراجعه می‌کند، می‌شناختند)

- آشنایی و مهمان بودن نزد دیدیر، خیلی نکات در مورد روش پذیرایی راحت از مهمانان، به من یاد داد؛ اولین بار بود که مرا می‌دید، ولی کاری به تبلیغات ضد ایرانی نداشت و کلید منزلش را به من داد تا موقع رفت و بازگشت، راحت باشم. موقع ترک دوسلدورف به سمت آمستردام برای دیدار دوستم، منزل نبود و فقط به من گفتم، کلید رو بنداز تو صندوق پستی و برو! به همین راحتی!

دیدیر و «آن» هر دو فرانسوی‌الاصل هستند که در آلمان زندگی می‌کردند و بعد از مدتی درخواست کردند که ایران بیایند که من پذیرفتم و مهمان من بودند. به شهرهای دیگر هم رفتند که تا جایی که دوستانی سراغ داشتیم، کمک کردم.

آمدن این دو به ایران، همزمان بود با روز سیزده بدر^۲ در سالی که سیزده بدر، مصادف با عاشورا^۳ بود! من به دیدیر خبر داده بودم که تعطیلات نوروزی ست و خیلی جاها بسته، مراسم ویژه مذهبی هم خواهد بود و...

ولی اتفاقاً، استقبال کرد و نوشت که ما بیشتر مایل هستیم مراسم ویژه رو ببینیم.

پس از رسیدن مهمانان به خانه من، صبح روز سیزده بدر، استراحت کوتاهی کردند و بعد از نهار، راهی دارآباد^۴ شدیم که دیدگاهی از مراسم سیزده بدر داشته باشند.

در مسیر، از خیابان نیاوران که می‌گذشتیم، مردم گوشه و کنار سبزه‌ها و چمن، نشسته و بساط خودشان را پهن کرده بودند. بچه‌ها هم مشغول بازی.

کمی در فضای دارآباد و موزه گشت زدیم و برگشتیم تا به مراسم غروب و شب عاشورا برسیم.

برای شام، سیب‌زمینی پخته تا بعد از بازگشت، کوکو درست کنم!

صدای گذر دسته سینه‌زنی که بلند شد، به خیابان رفتیم. نزد سرپرست دسته رفتیم و اجازه فیلم و عکسبرداری دوستان را گرفتیم که با استقبال هم روبرو شدیم و زنجیرها را به اشاره سرپرست، محکم‌تر و نمایشی‌تر می‌زدند!!

کلاً برایشان جالب بود. «آن» می‌گفت:

- ملت شادی هستید!

- چرا اینو می‌گی؟

۲- سیزدهمین روز فروردین یکی از جشن‌های سال نو در ایران است. در تقویم‌های رسمی ایران، پس از انقلاب، این روز روز طبیعت نامیده می‌شود و تعطیل رسمی است.

۳- عاشورا، دهمین روز از ماه محرم در تقویم هجری، روز مقدس مسلمانان است (عزاداری مهم شیعیان). امام حسین سومین امام شیعیان در کربلا در طی نبرد با سپاه عمر سعد کشته شد. شیعیان در این روز عزاداری می‌کنند. اهل سنت عاشورا را سالگرد روزی می‌دانند که موسی از دریای سرخ عبور کرد و او و پیروانش از آن عبور کردند و این روز را با احترام می‌دانند؛ روزه گرفتن در این روز یک سنت است.

۴- دارآباد یکی از مناطق تهران است که در شمال این شهر واقع شده است. دارآباد یکی از روستاهای اطراف تهران به حساب می‌آید. از شمال به کوه‌های توچال مشرف است. پارک دارآباد یکی از زیباترین پارک‌های تهران است.

- با هم غذا می‌خورید و تفریح می‌کنید!

بعد از اینکه در بازگشت، کوکو سیب‌زمینی درست کردم، «آن» پرسید چطوری سیب‌زمینی و تخم‌مرغ رو با هم قاطی کردی؟!؟!!

سوال جالبی بود که انتظار نداشتم؛ من جلوی خودشان، غذا درست می‌کردم و اصلاً تصور نمی‌کردم، برای کسی در این مورد، سوال پیش بیاید!!

زمانی که منزلم مهمان شدند، من مشغول به کار بودم! دیدن وضع زندگی من که مستقل کار و زندگی می‌کردم، باعث تبلیغات بسیار مثبت او در میان دوستان اسپرانتودان دیدیر (و بعدها، دوستان من) شد! (یکی از جالب‌ترین آنها آشنا شدن با الا و ادی (زوج لهستانی/ بلژیکی) بود که در جای خود شرح خواهم داد). این نکته در فضای شدیداً منفی برای ایرانی‌ها و بویژه خانم‌ها، اهمیت زیادی داشت.

در گردهمایی‌های مختلف، بارها و بارها باید به سوالات مختلف در مورد درس خواندن و کار کردن و پوشش اجباری چادر خانم‌ها در ایران، توضیح می‌دادم؛

- تو درس خواندی؟ واقعا مهندس شدی؟ چطوری کار میکنی؟ واقعا با شتر رفت و آمد می‌کنی؟ چطور با آقایان همکار هستی؟....

سپس با دوستان دیگری در اصفهان و شیراز تماس گرفتم تا برای جای گیری به آنها کمک کنند، خودشان هم از یزد، دیدار کرده بودند که برایشان بسیار دلپذیر و دیدنی بود.

پس از دیدار یزد و بازگشت به تهران، از چند مکان دیدنی تهران هم دیدن کردیم و بعد به آلمان و خانه بازگشتند.



در پارک ساعی با "آن" و "دیدیر"

سه چرای حیاتی در ارتباط با «زبان مشترک جهانی» یا «زبان بین‌المللی»

۱. چرا زبان جدید و اختراعی اسپرانتو (Esperanto) مناسب‌ترین گزینه برای ایفای نقش زبان مشترک جهانی در سراسر گیتی است؟

زیرا تاریخ چندصدساله‌ی اخیر ثابت کرده است که زبان‌های واقعاً بین‌المللی، علمی و بی‌طرف - مانند زبان ولایوک، اینترلینگوا، لُگلان و در رأس همه‌ی آن‌ها، زبان بین‌المللی اسپرانتو - به‌خاطر ابعاد گوناگونی، از جمله عدم سابقه‌ی استعماری، توانائی فراوان در بیان دقیق علمی و ظرایف ادبی، و ... مناسب‌ترین گزینه برای مورد بهره‌برداری قرار گرفتن به‌عنوان زبان مشترک جهانی بوده و هستند.

۲. چرا زبان‌های ملی مانند انگلیسی برای ایفای نقش زبان بین‌المللی مناسب نیستند؟

تاریخ چندهزارساله‌ی اخیر جهان نشان داده است که زبان‌های ملی و طبیعی - مانند زبان یونانی، لاتین، و فرانسوی در دوران‌های قدیم، و زبان انگلیسی در عصر حاضر - به دلایل بسیار زیادی، از جمله طرف‌داری از فرهنگ و تمدنی خاص، و سوگیری‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، در ایفای نقش زبان مشترک جهانی (یا زبان بین‌المللی) ناتوان و شکست‌خورده بوده و هستند.

۳. چرا کشور ایران از حامیان اصلی زبان بین‌المللی اسپرانتو از آغازین دهه‌های تولد آن بوده و در حال حاضر نیز پتانسیل پیش‌تازی برای جهانی‌ساختن آن را دارد.

ایران، پنج قرن پیش، نخستین زبان ابداعی دنیا را ساخت (زبان «بالاتیالیان») و در حدود یک‌صد سال پیش، نخستین کشوری بود که در اولین نشست «جامعه‌ی ملل» (شکل اولیه‌ی «سازمان ملل متحد»، که در پی جنگ جهانی اول به وجود آمد)، پیشنهاد استفاده‌ی بین‌المللی از زبان اسپرانتو را در سراسر جهان ارائه کرد. کشور ما هم‌اکنون نیز در زمینه‌ی نهضت جهانی ساختن زبان اسپرانتو از اکثریت قاطع کشورهای جهان پیشتر است.

هرگاه صحبت از استیلاطلبی زبان انگلیسی می‌شود، گاهی از جای‌گزینی آن توسط زبان‌های ملی دیگر، مانند روسی، چینی یا حتی فارسی حرف زده می‌شود، در صورتی که انجام چنین کاری، «از چاله در آمدن و به چاه افتادن است»، و راه‌حل بهینه‌ی مشکل زبان بین‌المللی در جهان، زبانی بی‌طرف، منطقی، آسان، گویا و قوی، مانند زبان اسپرانتو است. در حال حاضر بسیار عجیب است که کشورهای انگلیسی‌زبان، که فقط یک‌دهم جمعیت دنیا را تشکیل می‌دهند، توانسته‌اند زبان‌شان را بر نه‌دهم دیگر مردمان این کره‌ی خاکی تحمیل کنند، که این امر یه خودی خود جای مذاقه و تفکر بسیار دارد.

احمدرضا ممدوحی



Memservejo

Oni diras, ke Emmet Fox, la verkisto kaj nuntempa filozofo en sia unua vojaĝo al Usono, envenis en restoracio por manĝi.

Li sidĝis en iu angulo kaj atendis la kelneron, sed neniu atentis lin. La plej malbona afero estis, ke tiuj, kiuj envenis post li, ĉiuj estis manĝantaj.

Post kelkaj minutoj, li malĝoje demandis al viro, kiu sidis ĉe la apuda tablo: “Mi sidas 20 minutojn ĉi tie, kial la kelnero ne atentis min dum ĉiuj estas manĝantaj kaj mi sidadas, kaj atendadas?”

La viro respondis: “Ĉi tie estas memserva restoracio. Iru al la fino de la restoracio, kion ajn vi deziras metu en la pleton, pagu la koston kaj manĝu.”

Emmet Fox pli poste pri la afero skribis: “Mi sentis stultecon. Kiam mi metis la manĝon sur la tablon subite ektrafis mian menson, ke la vivo ankaŭ estas kiel memservejo. Ĉiaj okazaĵoj, oportunoj, situacioj, ĝojo kaj malĝojo estas antaŭ ni, dum plej multo el ni sideme kaj sen plej malmulta klopodo sidadas sur niaj seĝoj kaj nur estas ravitaj de aliulaj teleroj kaj mirigitaj, ke kial li/ŝi havas plian porcion? Sed ne trafas nian menson, ke ni ekstaru kaj vidu kio estas provizitaj kaj prenu.”



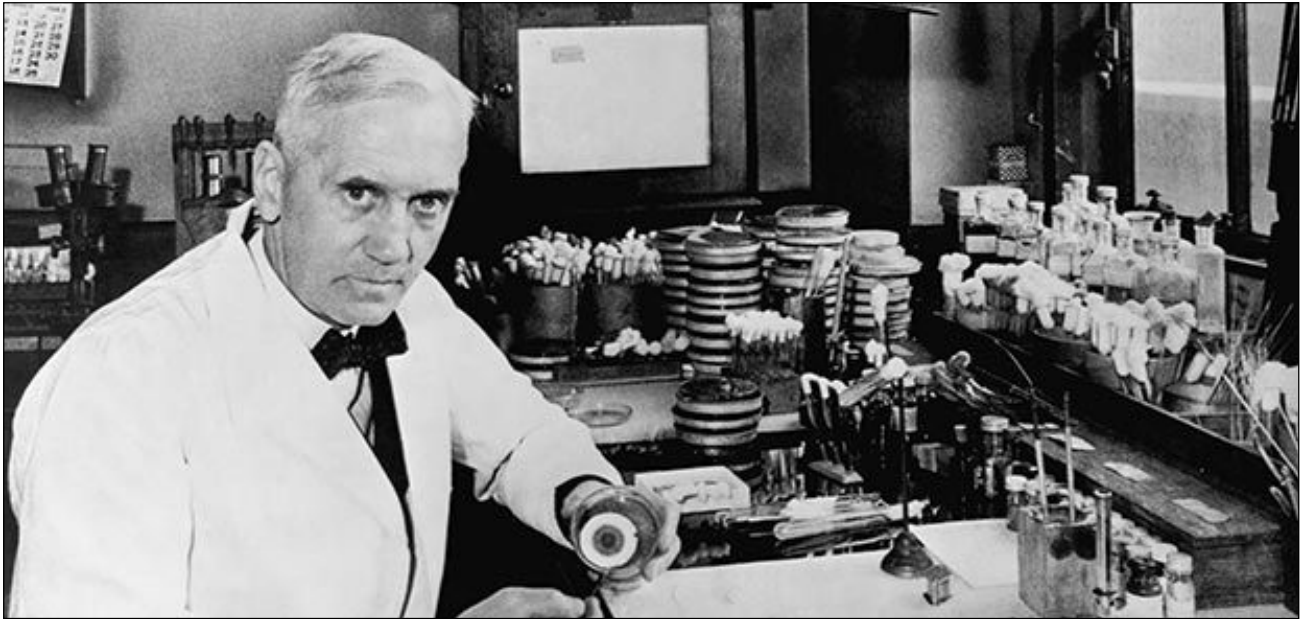
Helpo De Dio

Malriĉa virino, kiu havis familieton, telefonis iun radio-programon kaj petis al Dio la helpon.

Nekredanta viro, kiu aŭskultis la programon, decidis moki ŝin. Li akiris ŝian adreson kaj ordonis sian sekretariojn aĉeti multajn manĝaĵojn, kaj portu ŝin. Intertempe diris al li: “Se ŝi demandos: “kiu sendis la manĝaĵojn?” respondu ĉiujn sendis Satano”.

Kiam la sekretario atingis ŝian domon, la virino multe ĝojis kaj iĝis dankema al Dio, kaj portis la manĝaĵojn al sian hejmon. La sekretario demandis: “Ĉu vi ne deziras scii kiu sendis la manĝaĵojn?” La virino respondis: “Ne, tute ne gravas. Kiam Dio ordonas, eĉ Satano obeas”!

Farmista Fleming



Fleming estis malriĉa skotlanda farmisto. Iun tagon kiam li iris al la laboro, ekaŭdis helpkrion de marĉo situanta en tiu ĉirkaŭaĵo. Li ekĵetis siajn laborilojn sur la teron kaj tuj alkuris al la marĉo. Timigita knabo, kiu ĝis la talio sinkis en la marĉo, petis helpon kaj penis eligi sin el ĝi. Farmista Fleming, savis lin de malrapida kaj terura morto. La sekvan tagon iu kaleŝo haltis antaŭ la dometo de farmista Fleming. Aristokrato eliĝis el la kaleŝo kaj prezentis sin kiel la patro de la savita knabo. La aristokrato diris: Vi savis vivon de mia filo kaj mi deziras kompensi.

“Mi ne povas akcepti monon kontraŭ tio, kion mi faris.” La farmisto respondis.

En tiu momento la filo de la farmisto envenis en la dometon. “Estas via filo?” La aristokrato demandis la farmiston.

“Jes”. La farmisto fiere respondis.

“Ĉu vi permesas, ke ni faru interkonsenton kun unu la alia. Bv permesi, ke mi prenu lin kun mi kaj tiel li daŭrigos sian studon. Se li similus al sia patro, li iĝos viro, al kiu vi fieros”. La aristokrato diris.

La filo de farmista Fleming doktoriĝis ĉe Fakultato St Mary en Londono kaj tiel daŭrigis ĝis kiam famiĝis kiel Sir Alexander FLEMING malkovrinto de antibiotiko “Penicilino”. Jarojn poste la filo de la aristokrato kaptis pneŭmonion.

Kio savis lin?:

Kompreneble penicilino

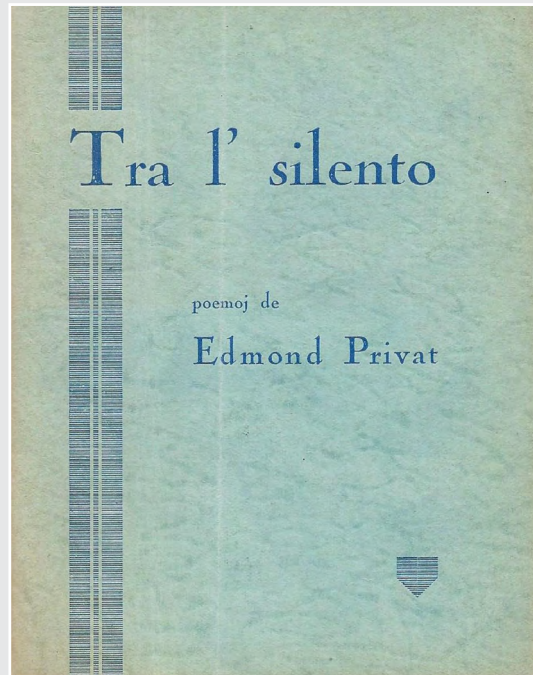
24. KOŜICE

La CENTRO de la slovaka nacia movado dum la unua mondmilito estis en Turok St Martin, sed mi deziris veturi antaŭe al Koŝice (Kaŝaŭ), urbo tiam sub hungara regado. En Budapeŝto mi do prenis vagonaron ĝis Miskolc, kiu estis plena je militistoj hungaraj. Ĉar mi tute nenium konis tie kaj ne komprenis la madjaran lingvon, mi eniris la unuan vagonaron al la karpata Nordo kaj esperis iam alveni al Koŝice. Estis februaro 1915 kaj la kampoj estis tute blankaj je neĝo. La solaj koloroj estis la ruĝaj tuko sur la kapoj de vilaĝaninoj kaj la oraj brodaĵoj de iliaj jakoj.

Estas kredeble, ke mi tute ne rajtis uzi tiun vagonaron. Ĝi penetris la militan regionon kaj sidis en ĝi nur oficiroj aŭ soldatoj. Almenaŭ dekfoje oficiroj petis min montri mian pasporton kaj ili longe interparolis post lego de la indiko: svisa ĵurnalisto. Ĉar mi ne komprenis la hungaran lingvon, mi tute ne povis interparoli. Fine alvenis kapitano kun du ĝendarmoj kun bajonetoj ĉe la pafilo. En germana lingvo la kapitano anoncis, ke mia pasporto ne sufiĉas por veturi norden kaj ke ili devas min aresti kaj meti en la manojn de la militpolico en Koŝice. Ili do restis kun mi silente kaj, kiam ni alvenis vespere, ili min enfermis en ĉambreto de la fervoja stacio.

Tra la fenestro mi povis konstati, ke blovas terura neĝo-ventego kaj ke la homoj kuras al rifuĝo sub tegmentoj. Almenaŭ mi estis iom pli varma tie, eĉ se oni min Pafus post momento. Bonŝance tio ne okazis. Post unu horo oni reportis al mi la pasporton kaj anoncis, ke mi devos reveturi Budapeŝton per la plej proksima vagonaro. Ĝis tiam mi estis libera.

Estis nokte. La nura vagonaro ne forirs ĝis frumatene. Apud Koŝice estis UEA-delegito kun hungara nomo. Mi lin vizitis donante la adreson al kondukisto de glitveturilo kaj alvenis tre malfrue nokte al dometo



kun lumaj. Mi frapis. Timeme malfermis la pordon fervojisto, kiu ne volis kredi pri mia nomo. Mirakle li havis sur sia tablo sub la lampo unu el miaj libroj: Tra l' silento, la poemoj.

«Mi ja estas la aŭtoro», mi diris, kaj la viro min ĉirkaŭbrakis kun larmoj en la okuloj.

Kun la edzino kaj infanoj ili havis nur unu ĉambron kaj ni ĉiuj sidis vice sur la lito kaj la edzino preparis tre gasteme hungaran gulaŝon por min satigi. La tutan nokton ni babilis kaj la brava samideano min rekondukis al la fervoja stacio en Koŝice. Tie amasiĝis mizera popolo de rifuĝintoj el karpataj vilaĝoj, ĉar la rusa armeo tute proksimen jam invadis la provincon. Ili estis ĉefe hebreoj el Galicio. Viroj en nigra kaftano kun longa barbo, malfeliĉaj virinoj kun infanoj sur unu brako kaj littuko kiel sako kun hejmaj objektoj. Muĝis la vento. Blovis la neĝeroj al la vizaĝo. La brava fervojisto klarigis al la oficiroj, ke mi vere estas sviso, ke ili konas min persone, kaj dank' al lia kuraĝa interveno mi povis vojaĝi en la malrapidega vagonaro sen plua danĝero ĝis Miskolc.

کوشیتسه

مرکز جنبش ملی اسلواکی در هنگام جنگ جهانی اول توروک اس‌تی‌مارتین بود، ولی قبل از آن می‌خواستیم به کوشیتسه، شهری که در آن زمان تحت تسلط مجارستان بود بروم. بنابراین در بوداپست تا میشکولتس سوار قطاری شدم که پر از سربازان مجاری بود. چون آنجا کسی را نمی‌شناختم و زبان مجاری هم بلد نبودم، سوار اولین قطاری شدم که به شمال کارپات می‌رفت و امیدوار بودم در هر حال به کوشیتسه برسم. فوریه ۱۹۱۵ بود و مزارع سراسر پوشیده از برف. تنها رنگ‌هایی که به چشم می‌آمد روسری‌های قرمز زنان و قلاب‌دوزی‌های طلایی روی کت‌های آنها بود.

ظاهراً اصلاً نباید سوار این قطار می‌شدم، چون وارد یک منطقه نظامی شد و فقط افسرها و سربازها بالا آمدند. افسرها ده بار پاسپورتم را خواستند و بعد از این که فهمیدند من یک روزنامه‌نگار سوئیسی هستم مدت زیادی با هم حرف زدند. من هم به سبب عدم آشنایی با زبان مجاری، نمی‌توانستم صحبت کنم. عاقبت کاپیتان با دو ژاندارم با سلاح‌های مسلح به سرنیزه به طرف من آمد. کاپیتان به آلمانی گفت پاسپورتم برای ادامه مسیر به طرف شمال کافی نیست و مجبور به بازداشت هستم و باید مرا به دژبانی کوشیتسه تحویل دهند و بدون حرف دیگری کنار من ایستادند. عصر که به دژبانی کوشیتسه رسیدیم آنها مرا به داخل یک اتاقک ایستگاه راه‌آهن هدایت کردند.

از پشت پنجره می‌شد کولاک و برف را دید و عابرابانی که به دنبال سرپناه می‌گشتند. حداقل الان من جای گرمی داشتم، حتی اگر قرار باشد تا چند دقیقه دیگر کشته شوم. خوشبختانه این‌طور نشد. یک ساعت بعد پاسپورتم را برگرداندند و گفتند باید دوباره با قطار بعد به بوداپست برگردم. تا آمدن آن قطار آزاد بودم.

شب بود و قطار بعدی صبح زود حرکت می‌کرد. در نزدیکی کوشیتسه نمایندگی UEA با نامی به زبان مجاری قرار داشت. بد ندیدم سری به آنجا بزنم. سورت‌م‌چی صدا زد و آدرسی را که از نمایندگی داشتم به او دادم. شب، دیروقت سورت‌م‌چی مقابل خانه‌ای کوچک با پنجره‌ای که نور از آن به بیرون می‌تابید ایستاد. در زدم. سوزن‌بانی که باور نمی‌کرد من واقعا پریوات باشم با ترس مرا به داخل راه داد. اینجا بود که معجزه‌های رخ داد و روی میز زیر لامپ چشمم به



برج تلویزیونی، نماد شهر میشکولتس

کتابی افتاد: در لابه‌لای سکوت، اشعار (کتابم). گفتم من نویسنده این کتاب هستم و مرد با چشمانی که اشک در آن پر شده بود مرا در آغوش کشید. او، همسر و فرزندانش همه در یک اتاق زندگی می‌کردند، به همین دلیل همه کنار هم روی لبه تخت نشستیم و خانم خانه با غذایی مجاری که با گوشت گاو یا گوساله و سبزیجات طبخ شده بود از من پذیرایی کرد. همه شب به صحبت گذشت و سپس آن هم‌آرمان برجسته مرا به ایستگاه راه‌آهن کوشیتسه رساند. آنجا جمع زیادی از پناهندگان بینوا که به دلیل تهاجم و اشغال ارتش روسیه از روستاهای کارپات به این بخش گریخته بودند به چشم می‌خورد. آنها عمدتاً یهودیان گالیتسیو بودند. مردان خرقه‌ای مشکی به تن داشتند با ریشی بلند و زنان بیچاره در یک دست بچه به بغل داشتند و در دست دیگرشان بقچه وسایل خانه بود. باد زوزه می‌کشید. دانه‌های برف به صورت می‌خورد. آن سوزن‌بان برجسته به افسران توضیح داد من حقیقتاً سوئیسی هستم و او شخصاً مرا می‌شناسد. به لطف پادرمیانی و شجاعت او بدون مواجهه با مشکل دیگری با یک قطار کاندرو تا میشکولتس به سفر ادامه دادم.

اسپرانتو سرعت یادگیری سایر زبان‌ها را افزایش می‌دهد

گپ و گفت سبزانديشان با بهجت ممدوحی، نویسنده و مترجم

سلام بر شما یاران و همراهان عزیز. انجام گف‌وگویی این شماره کار چندان راحتی نبود. ابتدا سراغ اولین صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول مجله سبزانديشان رفتم. پیش خودم گفتم حتما ایشان حرف‌های دست اول و ناگفته‌ای برای خواننده کنج‌کاو ما دارد. لیکن در عین ناباوری و به قول خودشان، عدم آمادگی گف‌وگو را به زمان دیگری حواله دادند. البته برای این که خیلی هم دست خالی از پیش ایشان برنگردیم ما را به دکتر پزشکی که ایشان را برای اولین بار با اسپرانتو آشنا کرد فرستادند. ما هم برای این که نشان دهیم که بیدی نیستیم که به این بادها بلرزد سراغ دکتر پزشکی رفتیم اما به‌رغم همکاری و همراهی ایشان لیکن مشکلات فنی که هیچ‌کدام علت آن را متوجه نشدیم مانع انجام گف‌وگو گردید. لذا این مصاحبه نیز تا برطرف شدن مشکلات فنی‌اش به زمانی دیگر موکول شد. هرچند زمان زیادی را برای گرفتن مصاحبه از دست داده بودم این بار سراغ یکی از دوستان قدیمی و یاران صمیمی اسپرانتو رفتم. خوشبختانه ایشان با وجود مشغله‌های فراوان دست رد بر سینه ما نزد و با روی باز دعوت ما را پذیرفت. با مهمان این شماره در یکی از کنگره‌های اسپرانتو آشنا شدم و مدتی هم مراوده مطلب داشتیم و البته این گونه بسیار از ایشان آموختم. مهمان این شماره من البته هر از جندی در مجله قلم می‌زند و تاکنون شاهد مطالب متنوع و جالبی از ایشان بوده‌ایم. گف‌وگویی ما با سرکار خانم بهجت ممدوحی پیش روی شماست.

نام سایت Tatoeba از اصطلاح ژاپنی (例え) به معنی «به‌عنوان مثال» گرفته شده است. Tatoeba برخلاف سایر فرهنگ‌های لغت که روی کلمات تمرکز دارند، بر ترجمه جملات کامل متمرکز است. یک جمله نه تنها می‌تواند چندین ترجمه در یک زبان واحد داشته باشد، بلکه ترجمه آن به همه زبان‌ها به راحتی قابل مشاهده است. البته من همیشه سایت‌های معروف Lernu.net و Uea.org را نیز پیگیری می‌کردم و می‌کنم.

هنگام یادگیری، کدام مبحث یا مباحث شما را بیشتر به چالش کشید؟

خب، می‌دانیم که همه امور نسبی است، و از آنجا که تنها معیار برای مقایسه و سنجش اسپرانتو برای من زبان انگلیسی بوده و هست، شاید بتوان گفت با هیچ‌یک از چالش‌های بسیار سختی که در فراگیری زبان انگلیسی با آنها مواجه بودم و می‌شوم، در زبان اسپرانتو روبه‌رو نشده‌ام. اسپرانتو چه در ساختن واژه‌ها و چه در ساختن جمله‌ها بسیار آسان و غنی است و معنی واحدی را به انحصاری بسیار زیاد و متنوعی می‌توان در آن بیان نمود و استثناها و اصطلاح‌های فراوانی که در زبان انگلیسی است و فراگیری آن را مشکل ساخته است، در اسپرانتو، وجود ندارند.

از فعالیت‌هایی که در زمینه اسپرانتو داشتید و دارید برایمان بگویید.

غیر از مکاتبات و جملاتی که به سایت تاتوئبا اضافه کردم، که در ابتدا بیشتر برای آشنا شدن با کشورها و مردمان کشورهای دیگر، و فراگیری هرچه بیشتر اسپرانتو بود، شرکت در کنگره‌های گوناگون اسپرانتو، بخصوص همایش‌های بین‌المللی اسپرانتو، برای من واقعا بی‌نظیر بود، چراکه نظاره‌گر جمعیت فوق‌العاده زیادی از اسپرانتودانانی از اقصی نقاط جهان بودم، که تنها با یک

لطفا خودتان را به‌طور کامل برای خوانندگان معرفی بفرمایید.

بهجت ممدوحی، متولد ۱۳۴۰، دیپلمه اقتصاد در سال ۱۳۵۸، و خانه‌دار. سه پسر و یک نوه چندماهه دارم. در شهر مشهد به دنیا آمدم، ولی هنوز چند ماه هم نداشتم که خانواده‌ام به تهران آمدند و تاکنون ساکن این شهر بزرگ بوده‌ام.

چگونه با اسپرانتو آشنا شدید و آن را آموختید؟

توسط برادرم احمدرضا با اسپرانتو آشنا شدم و آموزش دیدم و این موهبت را مدیون ایشان هستم. در همان ابتدای یادگیری، به خاطر دارم انشاء هم می‌نوشتم تا در عمل هم، سادگی آن برایم اثبات شود.

برای تمرین و به‌کارگیری مستمر اسپرانتو، در اوایل با اسپرانتودانان بسیاری از کشورها مکاتبه داشتیم. سپس با راهنمایی برادرم به ترجمه برای مجله «پیام سبزانديشان» پرداختیم. همچنین به کمک ایشان در سایت تاتوئبا (Tatoeba) مشغول اضافه کردن تعداد زیادی جملات اسپرانتو و فارسی و ترجمه آنها به یکدیگر شدم. این کار را چه به نوآموزان و چه به کسانی که اسپرانتو را در سطوح بالاتر هم فراگرفته‌اند، توصیه می‌کنم، چراکه هم تمرین و ممارستی برای خودشان است و هم به غنای این سایت در این دو زبان کمک می‌کنند.

این سایت جالب، که توسط یک خانم ژاپنی ابداع شده است، به بیش از ۴۰۰ زبان است و تاکنون نزدیک به ۱۰ میلیون جمله در آن بارگذاری شده است. بخش اسپرانتوی آن با بیش از ۶۶۰ هزار جمله مقام پنجم را در بین این ۴۰۰ زبان دارد و بخش فارسی آن با بیش از ۲۴ هزار جمله مقام سی‌وچهارم را داراست. بخش اسپرانتو حتی در بین جملات گویا یا صوتی آن نیز در رتبه یازدهم قرار دارد.

قدیمی انگلیسی که به اسپرانتو نیز توسط دیوید جوردن (David Jordan)، زبان‌شناس برجسته آمریکایی ترجمه، و توسط کالمان سمیدلیوژ (Kálmán Smidéliusz) خواننده مجارستانی خوانده شده است، متن، مفهوم و تصویرسازی ساده، زیبا و دوست‌داشتنی‌ای برایم داشته که بسیار هم کوتاه است:

Ŝtorman maron,
Ŝtorman maron,
Etboate strebas mi!
Superpasi, hejmeniri,
Liberiĝi, kuni vin.

Kiel mevo,
Kiel mevo,
Trans ĉielon flugas mi!
Inter nuboj kaj ĉielo,
Pri viaj kisoj, revas mi.

Mi mortadas,
Mi mortadas,
Sen libero kaj sen vi.
Foran maron, vian paron,
Ĉu forgesos, ankaŭ vi?

به طور کلی اسپرانتو چه نقشی در زندگی شما داشته است؟

در کل، اسپرانتو در زندگی من چنان مثرثمر، مفید و مثبت بوده و هست، که در واقع تمامی لحظاتی را که به‌گونه‌ای با آن، از جمله با منابع آن یا متکلمین آن به‌سر برده‌ام، جزو بهترین لحظات عمرم هستند. جدا از فرصت‌های بسیار زیادی که این زبان زیبا برای من در زمینه‌های گوناگون ارتباط با دنیا و ترجمه به‌وجود آورده است، مشغله بسیار مفید و مثبتی نیز در زندگی من محسوب می‌شود.

آیا چیزی هست که نپرسیده باشیم و دوست داشته باشید در اینجا بیان کنید؟

با تجربه چنددهه‌ای من در دنیای دوستانه، صلح‌آمیز و همکاری‌گرای اسپرانتو، و این که در بین اسپرانتودانان تمامی کشورها از تمامی اقشار مردم پیدا می‌شوند، توصیه من به تمامی کسانی که هنوز از لذت یادگیری این زبان نبوغ‌آمیز ساده، آسان و در عین حال قوی و گویا بهره‌مند نشده‌اند، این است که فراگیری آن را هرچه زودتر شروع کنند، چراکه جدا از وارد شدن به دنیای بزرگ اسپرانتو و اسپرانتودانان، که هر پنج قاره جهان را شامل می‌شود، پس از فراگیری آن، زبان‌های دیگر را نیز با سرعت و بازدهی بیشتری یاد خواهند گرفت. و این‌ها جدا از ادبیات اصیل و ترجمه‌شده‌ای است، که از فرهنگ‌ها و کشورهای گوناگون جهان هم‌اکنون وجود دارد و بخش عظیمی از آن نیز در دسترس همه، در اینترنت، قرار دارد.

زبان مشترک واحد صحبت می‌کردند و همه همدیگر را به‌خوبی می‌فهمیدند و درک می‌نمودند بدون آن که دوست، یا همشهری یکدیگر باشند، و یا از کشوری واحد آمده باشند، تنها وجه مشترک همه آنها «سام‌ایده‌انو» (samideano) یا هم‌اندیش و هم‌آرمان بودن آنهاست: یعنی هدف مشترک تمامی آنها، بسط و توسعه زبان اسپرانتو در سراسر جهان است تا روزی که استفاده از آن در تمامی کره زمین محقق شود. البته، متاسفانه من سعادت شرکت در تعداد زیادی این کنفرانس‌های بین‌المللی اسپرانتو را نداشتم.

شرکت در کنگره‌های داخلی هم برای من بسیار جالب و خاطره‌انگیز است و افتخار این را داشتم که از اولین کنگره ملی اسپرانتوی ایران، در آنها شرکت و حتی مطالبی را ارائه کنم. از آنجا که به اسپرانتو عشق می‌ورزم، حتی زمانی که امکان شرکت کردن به صورت حضوری در همایش‌های آن را نداشتم، از طریق فضای مجازی در آنها شرکت می‌کردم، برای نمونه، همایش معرفی اسپرانتو در اصفهان، که در سال ۱۳۹۳ در نجف‌آباد اصفهان صورت گرفت را نیز به‌خوبی به خاطر دارم که من تنها به کمک گوشی همراه در این همایش حضور یافتم و در آنجا با اسپرانتیست‌های اصفهانی آشنا شدم.

هم‌اکنون نیز، علی‌رغم همه مشغولیت‌ها، مسئولیت‌ها و مسائلی که همه به نحوی داریم، چون بسیار شیفته اسپرانتو بوده و هستم، همچنان به کار ترجمه بین فارسی و اسپرانتو با اشتیاق فراوان و انرژی ادامه می‌دهم؛ از جمله مطالبی که اخیراً برای فصلنامه پیام سبزاندیشان تهیه کردم، درباره نابغه بزرگ ریاضی ایران، خانم مریم میرزاخانی و نویسنده شهیر، خانم سیمین دانشور بوده است.

از شرکت در کنگره‌ها یا ملاقات با اسپرانتودانان خاطره‌ای دارید که بخواهید برایمان تعریف کنید؟

شرکت در کنگره‌های بین‌المللی واقعاً جالب و دیدنی است، چون قابل‌تصور و باورنکردنی به نظر نمی‌رسد که جمعیتی چندهزار نفری از اقصی‌نقاط دنیا و کشورهای بسیار متفاوت، با ده‌ها زبان مادری و قومی مختلف، در کنار هم به دور از هرگونه مشکل زبانی، به یک زبان واحد بتوانند صحبت کنند و همین تفاهم زبانی موجب برگزاری این گردهمایی‌ها بدون وجود هرگونه مترجمی گردد؛ این پدیده، حقیقتاً وصف‌ناپذیر و به‌گونه‌ای یک اعجاز به‌نظر می‌آید.

در مراسم افتتاح همایش‌های جهانی و سالانه اسپرانتو، که بیش از یکصد سال است برگزار می‌شوند، هنگامی که همه حضار با هم سرود «امید» را، که تألیف خود دکتر زامنهوف، آفریننده اسپرانتو است، با همدیگر می‌خوانند، صحنه‌ای بسیار باشکوه، تکان‌دهنده و همبستگی‌زا است.

نثر، شعر، لطیفه، دلنوشته‌ای یا هر چیزی به اسپرانتو که دوست دارید آن را با ما به اشتراک بگذارید.

ترانه‌ای از راد استوارت (Rod Stewart)، خواننده

شلیتر کهریمی

زامینهۆف کییه؟



پوختهیهک له ژبانی دوکتور لوودفیک زامینهۆف

ئهمانهن: مێشکی بیرمهندی باوکی، مارک زامینهۆف، دلی دلوڤانی دایکی، رۆزالییا زامینهۆف و کاریگهریهکانی شاری بیالیستۆک که تێیدا ژیاوو. ئهمانه بوون به هاندهری کار و ئایدیای ئهو سهبارهت به چارهسه کردنی کیشهی زمان. لوودفیک کورپکی ئاوهزمهند، لایهنگری خویندنهوه و لیکۆلینهوه، ئارام و کهمیکیش لاسار بوو، بهلام بهردهوام ههولی دهدا نه بیته هۆی نازاردانی کهسێک.

له قوتابخانه بههره و زهوقیکی ئیچگار زۆری دهنواند بهتایبهت له بواری نووسیندا. ههموو جار مامۆستاکانی ستایشیان دهکرد. هاوڕێکانی نازناوی «بارۆن» واته (ئهسلزاده) یان لینا چونکوو ههلسووکهوتیکی جوان و لهسهرخۆی بوو و ههروهها زۆریش به ئهدهب بوو، سههرهپای ئهمه، ئهو ههچ کات نهک له قوتابخانه نهک له مالهوه وهکوو کهسێکی زۆر جیدی و خو بهزلزان دهرنهده کهوت.

دهسپنکی ئافرانندی زمانی نینونهتهوهی

له تهمهنی ۱۶ سالیدا، کاتیک دهستی کرد به فیروونی زمانی ئینگلیزی، تیگهیشته که ریزمانی زمانی ئینگلیزی تا رادیهکی بهرچاو له زۆر لایهنهوه له زمانهکانی رووسی، فرهنسی، ئالمانی یان پۆلهندی ئاسانتره بۆیه گهیشته بهو ئاکامه که دهکریت زمانیک ساز بکریت که ریزمانهکهی تهنانته له زمانی ئینگلیزیش زۆر ئاسانتر بیت. ههروهها تیگهیشته که بۆ ساز کردنی وشهکانی وهها زمانیک دهکریت له وشه هاوبهشهکانی نێوان زمانهکانی تر کهک وهریگیردیت. که وابوو دهستی کرد به سازکردنی زمانه دهسکردهکهی. ۱۹ سالان بوو که شیوازی سههرهتای زمانهکهی ئاماده بوو. ناوی نا linqwe uniwersala واته (زمانی جیهانی). ئهو له دایکبوونی ئهم زمانه نوپیهی له گهڵ هاوڕێکانی قوتبخانه له ماله باوانی جهژن گرت. لهو جهژنهدا، ئهم شیعره که به زمانه نوپیه گوتراوو و به روونی مهبهستی زامینهۆف بۆ ساز کردنی زمانی نینونهتهوهی دهردهخات، خوینهرایهوه:

دوژمنایهتی نێوان نهتهوهکان

کاتی ئهوه هاتوو وهلا بترین، وهلا بترین!

ههموو مرۆفایهتی بهرهو بنهمالهیهکی یه کدل

لوودفیک لازارۆس زامینهۆف ۱۵ ديسامبری ۱۸۵۹ له شاری بیالیستۆکی ولاتی پۆلهند له دایک بوو. یه کهم مندالی مارک و رۆزالییا بوو و سالی ۱۸۷۹ بوو به خاوهن ۸ خوشک و برا، چوار خوشک و چوار برا. ئهو خوشکهی که له ههموویان گهورهتر بوو له تهمهنی ۱۰ سالان له سالی ۱۸۷۰ کۆچی دواي کرد.

لوودفیک ۱۳ سالان بوو له گۆرهبانی شاره کهیدا شایهتی کۆمه لیک کیشه و ململانی بوو. ئهو کیشه و ململانیانه به هۆی جیاوازی زمان و لیکهوتتهکانی زمانهوه بوو. دانیشتوانی شاره که به چوار زمان قسهیان دهکرد: پۆلهندی، ئالمانی، عیبری و رووسی. بیروکهی داهینانی زمانیکی هاوبهش بۆ ههموو مرۆف ههر لهو کاتهدا هاته ناو مێشکی زامینهۆف. له بهر ئهوهی لهو سهردهمهدا پۆلهند له ژیر دهسهلاتی رووسیای تیزاری بوو، رووسهکان رینگهیان به فیرکاری زمانی پۆلهندی له قوتابخانهکان نهدهدا. زامینهۆف مندال بوو که راپهڕینی گرینگی پۆلهند (۱۸۶۵- ۱۸۶۳) به شیوهیهکی زالمانه له لایه هیزی رووسیاه سهرکوت کرابوو.

لوودفیک سیزده سالان بوو بنهمالهکهی مائیان گوازهوه بۆ شاری فهرشو. لهو شارهدا بوو زامینهۆف بیری لهوه دهکردهوه کام زمان دهتوانیت وهکوو زمانیکی هاوبهش بۆ ههموو مرۆف کهکی ئی وهریگیردیت. سههرتا خولیای زمانی یونانی و لاتین بوو، بهلام به کردهوه تیگهیشته که فیروونی ئهم زمانانه زۆر ئهستهمه و سههرهپای ئهوهیش ههچ نهتهوهیهک زمانی نهتهوهیهکی تر وهکوو زمانی نینونهتهوهی وهرناگریت. که وابوو کهوته بیری داهینانی زمانیکی دهستکرد.

سی فاکتهری سههرهکی بۆ ههلهکهوتووی زامینهۆف

دهبیت یه ک بگرنهوه.

خویندن له مسکو

سائیک پاش ئەم رووداوه، لوودفیکي گنج بۆ خویندن له بواری پزیشکی به رهو مسکو کهوته ری. به لام به لینی دابوو به باوکی تا کۆتای خویندن له کارکردن بۆ ئەم زمانه نیونه تهوه یه واز بیئی، بۆیه هه موو ده سنووسه کانی دا به باوکی. به لام لوودفیک ناچار بوو دوو سال پاش ئەوه واته پێش کۆتایه پێنان به خویندن له زانکو بگه پتته وه بۆ ماله وه. گه رانه وه که ی له لایه که وه به هۆی ده سته نگی باوکی بوو که ده بوايه خه رچی خویندنی کچ و کوره کانی تریشی دابین بکر دایه ت و له لایه کی دیکه وه ئەوه بوو که لوودفیک خۆیشی نه یه توانیبوو له مسکو کاریک بدوزیتته وه که ولامده ری بژیوی ژیا نی بیت.

گه رانه وه بۆ پۆله ند

پاش گه رانه وه بۆ ماله وه، لوودفیک زانی باوکی هه موو ده سنووسه کانی سه باره ت به «زمانی جیهانی» ئاگر تیه ردا بوو. به لام پیداکری و خۆراگری و بیری تیژی لوودفیک و ریگه پیدانی باوکی بۆ درێژه دان به پرۆژه که ی بوو به هۆی ئەوه ی سه ره له نوێ ده ست بکاته وه به کار له سه ر زمانی نیونه ته وه یی، به لام ئەمجاره بریاری دا تا پاش کۆتای خویندن له زانکو له گه ل که س سه باره ت به پرۆژه که ی نه دویت و بلاویشی نه کاته وه. ئیستا نیوی زمانه که ی گۆرابوو به lingvo Universala چونکوو پیتی w له زمانه که ی سه ربوو وه و گۆرانکاری گرینگی تیدا کردبوو. به م شیوه ئەو له و سالانه ی وا له فه رشۆ له بواری پزیشکیدا سه رقالی خویندن بوو، له سه ر پرۆژه ی زمانه نیونه ته وه یه که یشی کاری ده کرد، به و جۆره ی که تا پێش کۆتای خویندن له زانکو، ئیسه پیرانتۆ به شیوازی که م تا کورتی ئەمروێ ده ره اتبوو.

کۆتای خویندن له زانکو

له ژانویه ی ۱۸۸۵ کۆتای به خویندن هینا و چوو بۆ شارینی بچووک به ناوی فیتی سینی (Vejseje) و هه ر له و شاره دا بوو که نامیلکه ی زمانی ئیسه پیرانتۆ ئاماده ی چاپ کرا، به لام تا دوو سال هه یچ چاپه مه نییه ک نامیلکه که ی وه رنه گرت. پیه سه ی پزیشکی له و شاره بچووکه دا داها تیکی زۆری بۆ ئەو نه بوو. هه روه ها ئەو دلی به رایی نه ده دا ئەو هه موو نه خۆشه بی نییت که له گه ل مه رگدا ده سته وئێخه ن. هه ر بۆیه بریاری دا ئەو شاره جی به نیییت و سه رقالی خویندن له بواری پزیشکی چاودا بییت.

سالی ۱۸۸۶ له گه ل کلارا زیلیرنیک (Klara Zilber-nik) یه کتریان ناسی و بوون به ده زگیران. پاشان باوکی کلارا، ئیلنیکساندر زیلیرنیک، که وه کوو باوکی زامینه وۆف

خواه نی ۹ مندال بوو، تیچووی چاپی یه که می نامیلکه ی به ناوبانگی زمانی ئیسه پیرانتۆی وه نه ستۆ گرت. زامینه وۆف ئەم نامیلکه یه ی که به زمانی رووسی نووسرابوو، ناو نا کتییی یه که م (Unua Libro). به م شیوه زمانی ئیسه پیرانتۆ بۆ یه که م جار له سالی ۱۸۸۷ بلاو بووه وه.

مه رگی زامینه وۆف

به داخه وه سه ره له لدانی شه ری جیهانی یه که م له سالی ۱۹۱۴ زه بریکی گه وره ی دا له پێشکه وتی زمانی ئیسه پیرانتۆ له جیهاندا، به تایبه تی له دوکتۆر زامینه وۆف که ته مه نی پتر له ۵۵ سالان بوو. دوکتۆر ئیدمۆن پریوا به م جۆره باسی کۆچی دوا ی زامینه وۆف ده کات:

« له رۆژیکی بارانی، سارد و خه م بار له سالی ۱۹۱۷، ئیسه پیرانتۆ زانه کانی شاری فه رشۆ داره ته رمی زامینه وۆفیان تا گۆرستان به ری کرد... له و کاته دا سنوره کانی ولاته که ی به ره و «کۆمه له ی بنه ماله یه کی» گه وره که هه موو سائیک نوینه ره کانیان له کۆنگره جیهانییه کانی ئیسه پیرانتۆ ئەویان ستایش ده کرد و ریزیان لیده گرت، به سترابوو. ته نیا چه ند پۆله ندی له وانه، گرابوو سفکی، بیلمۆنت و نۆبارت (کاپتانیکی ئالمانی) ئەو ده رفه تیان بۆ ره خسا تا کوو له لایه ن هه موو خه لکی ئەو ولاتانه ی که خۆشیان ده ویست و به بۆنه ی کۆچی دوا یی ئەوه وه ده گریان، ماناوا یی له زامینه وۆف بکه ن. له لایه ن حکومه ته وه هه یچکه س نه ها تبوو، هه یچ یادکر دنه وه یه کی فه رمی به ریوه نه چوو، ته نیا خه لک بوون، هه ر وه کوو رپوره سمی سه ره خۆشی تۆلستۆی که ته نیا خه لکی گونده کانی ده ورووبه ر به شداریان کرد. »

کۆتای

زامینه وۆف ئەرکیکی بۆمان به جیهیشتوو: پیناسه کردنی پێشنیاره که ی به هه موو مرۆفایه تی به ته وا وه تی. «ده بپت جیهانیکی نوێ ساز بکریت، مرۆف هه ر له خولیا ی لابر دنی دیواره کانه.» ئایا ریگه ی زامینه وۆف درێژه ی پیده دریت؟ کی نیازی ئەو ده سته به ر ده کات؟ ئایا زمانی ئیسه پیرانتۆ ده توانییت به ربه سته کانی پیوه ندی له نیوان مرۆفه کان لابه ریت؟ ئایا ئایدیا ی گه وره ی زامینه وۆف به دی دیت؟

سه رچاوه: ماله پری ویکیپیدیا (کورتکراوه)

بۆ زانیاری وردتر سه باره ت به ژیا نی زامینه وۆف ده توان سه ردانی ماله پری ویکیپیدیا بکه ن که به زمانه کانی فارسی، ئینگلیزی و ئیسه پیرانتۆ له به رده سته دایه.

یه کیه تی نیونه تهوه یی مامۆستایانی ئیسیپرانتۆ



وتووژ.

- به ږیوه بردنی تاقیکاریه کانی ئیسیپرانتۆ به هاوکاری له گه‌ل ږیکخواه‌ی جیهانی ئیسیپرانتۆ (UEA). ئەم تاقیکاریانه له لایه‌ن گرووپیکی ۷ که‌سی به ږیوه‌ده‌بردنیت و ئەم گرووپه (کمیۆنی تاقیکاری نیونه‌ته‌وه‌یی) له لایه‌ن ILEI و UEA هه‌لده‌بژێردرین. ئەم تاقیکاریانه له ۲ ئاستدا به ږیوه‌ده‌چن و تا ئیستا ۱۰۰۰ که‌س توانیانه تاقیکاریه‌کان تێپه‌رینن و له‌ داها‌توودا، له ۳ ئاستدا به ږیوه‌ده‌چن.

هه‌نگاه‌کان

گۆفاره‌کانی ILEI

- گۆفاری نیونه‌ته‌وه‌یی فیرکاری (Internacia Pedagogia Revuo)
- هاوږپی گه‌نج (Juna Amiko)

یه کیه تی نیونه‌ته‌وه‌یی مامۆستایانی ئیسیپرانتۆ (ILEI)، ئەنجومه‌نیکی پسیۆپی مامۆستایانی ئیسیپرانتۆیه (ئه‌وانه‌ی که‌ه پیشه‌یان مامۆستایه‌تییه و ئه‌وانه‌ی که‌ ئیسیپرانتۆ فیر ده‌که‌ن) که‌ له ۱۹۴۹ دامه‌زرا. ږیکخواه‌یه‌کی مه‌ده‌نییه (NRO) و له‌ گه‌ل ږیکخواه‌ی جیهانی ئیسیپرانتۆ (UEA) پێوه‌ندی هه‌یه.

ئامانجه‌کان و ئه‌رکه‌کانی

ئامانجه‌کان:

- به‌روه‌ده‌کردنی مروف بۆ ږیزلینان له‌ مروف، ژیان و سروشت.
- به‌ره‌دان به‌ لیکتینگه‌یشتن له‌ نیوان مروفه‌کان.

ئه‌رکه‌کان:

- پیناسه‌کردنی ئیسیپرانتۆ له‌ قوتابخانه‌ جو‌راوجۆره‌کاندا (سه‌ره‌تایی، مامناوه‌ندی و کۆلیژ)
- فیرکاری ئامانجداری ئیسیپرانتۆ له‌ هه‌ر شوین و ئاستیکدا.
- لیکۆلینه‌وه و چاره‌سه‌رکردنی کیشه‌کانی فیرکاری، له‌ فیرکاری زماندا.
- بلاوکردنه‌وه‌ی کتێبه‌ فیرکاریه‌ پیشکه‌وتوه‌کان، گۆفاره‌ پسیۆپییه‌کان، کتیب و نامیلکه‌ زانیاریه‌کان.
- ږیکخستنی کۆبوونه‌وه‌ نیونه‌ته‌وه‌یه‌کان (کونفرانسی ILEI، سمیناره‌کانی KS)
- سه‌ره‌رشتی کردنی تاقیکاریه‌ نیونه‌ته‌وه‌یه‌کان سه‌باره‌ت به‌ لیهاتوویی له‌ به‌کاره‌ینان و فیرکاری ئیسیپرانتۆ.
- پێوه‌ندی گرتن له‌ گه‌ل ده‌رگا‌ حوکمییه‌کان و دامه‌زراوه‌ فیرکاریه‌کان و ئه‌و ږیکخواه‌انه‌ی وا ئامانجیان له‌ گه‌ل ئامانجه‌کانی یه‌کیه‌تییه‌که‌ هاوئا‌هه‌نگه‌.
- ږیکخستن و که‌لکوه‌رگرتن له‌ مانپه‌ره‌کان و ږیزه‌کانی



چاپ و بلاوکردنه‌وه‌ی به‌ره‌مه‌ فیرکاریه‌کان هه‌روه‌ها یه‌کیک له‌ ئاماج و ئه‌رکه‌کانی ILEI، چاپ و بلاوکردنه‌وه‌ی به‌ره‌مه‌ فیرکاریه‌کانه‌. له ۲۰۲۰ به‌رگی چواره‌می

(کتابی گیرفانی فیرکاری ئیسپیرانتۆ) بَلاو بووهوه، بهرهمیکی تهواو و بهرۆژگراو. دوکتوره کاتالین کوفاتس (Katalin Kovacs) که گروویچ نووسەر و ههله گری سه رهبرشتی ده کرد، ئه رکی پیداجوونهوهی کتیبه که ی له ئه ستو گرت.

کۆنگره کان

یه کیه تی نیونه تهوهیی مامۆستایانی ئیسپیرانتۆ هه موو سالتیک له ولاتیکی جیاواز به بهرنامه یه کی گه شتیار، فهره نگی و پسپۆری کونگره به رتیه ده بات و ئه م بابته تانه له خو ده گریت:

- کۆری خویندن (سه مپۆزیۆم) سه باره ت به بابته تی کو نفرانسه که .

- فیستیفالی زمان.

- کونفرانسه کانی ILEI.

هاوبه شه کان:

- ریکخواه ی جیهانی ئیسپیرانتۆ (UEA)

- ریکخواه ی جیهانی ئیسپیرانتۆی لاوان (TEJO)

- سرویسیک بۆ مامۆستایان و فیرخووانی ئیسپیرانتۆ edukado.net

- ماله ره کی چه ند زمانه بۆ فیربوونی ئیسپیرانتۆ. Lernu.net

- Lingvo. Info

- E@I

- فیدراسیۆنی نیونه تهوهیی هیلئ ناسنی - ئیسپیرانتۆ (IFEF)

- یه کیه تی ئیسپیرانتۆی ئه وروپا (EEU)

- ریکخواه ی جیهانی /Springboard to Languages ریخه ری زمان.

به ریتا نیا .

- زانکۆی ئادام میکیویچ (UAM) پۆزان ، پۆله ند.

- سه نته ری نیوانفه ره نگی هیرزیپرگ (ICH) ئالمان.

- کۆشکی گرزیلیۆن، بایوگی، فره نسا. (Greziljono)

- فهره نگستانی نیونه تهوهیی زانسته کانی سان مارینۆ .(AIS)

- دامه زراوه ی زامینه وۆف، بیالیستۆک ، پۆله ند.

- یه کیه تی نیونه تهوهیی ئیسپیرانتیسته نابیناکان (LIBE)

ده سته ی به رتیه به رایه تی:

ده سته ی به رتیه به رایه تی ILEI، یه کیه تیه که سه ره برشتی ده که ن. له ریکه ی بریاری بالای کۆمیته وه هه لده بزێردرین.

ریزی به رتیه به ره کان له سالی ۱۹۷۲ هه ئه م که سانه ن:

- Helmut Sonnabend (۱۹۷۲- ۱۹۸۵)

- Istvan Szerdahelyi (۱۹۸۵ – ۱۹۸۷)

- Edward Symoens (۱۹۸۸ – ۱۹۹۱)

- Stefan MacGill (۱۹۹۱ – ۱۹۹۳)

- Duncan Charters (۱۹۹۳- ۱۹۹۸)

- Mauro La Torre (۱۹۹۸ – ۲۰۰۳)

- Radojica Petrovic (۲۰۰۳ – ۲۰۰۹)

- Stefan MacGill (۲۰۰۹ – ۲۰۱۳)

- Mireille Grosjean (له ۲۰۱۳ وه تا ئیستا)

ناویشانی ئینته رنیته ی ریکخواه ی جیهانی مامۆستایانی

ئیسپیرانتۆ ئه مه یه: www.ilei.info





Seán Ó Riain - سفارة أيرلندا ، فيينا

مقدمة

كان لنظام التعليم تأثير غير مقصود يتمثل في استبعاد غالبية التجربة الإيجابية للتعددية اللغوية. لذا فإن مقترحات تحسين تعلم اللغة تتعلق بالغالبية العظمى من المواطنين، وخاصة الطلاب في المدرسة.

يهدف هذا العرض التقديمي إلى تقديم ٤ نقاط رئيسية:

- ١- من المقبول عمومًا أن أي لغة ثانية يتم تعلمها ستساعد في تعلم اللغة لاحقًا. هذا هو التأثير الأولي.
- ٢- يميل التأثير التمهيدي للغات المختلفة إلى أن يكون غير متكافئ، لذا فإن ترتيب تعلم اللغات مهم.
- ٣- "دورة التوجيه اللغوي"، التي تمتد من ٥٠ إلى ١٠٠ ساعة، والتي تغطي القواعد النحوية الاستثنائية للاسبرانتو و ٥٠٠ من الصيغ الأكثر استخدامًا، أثبتت أنها أداة علاجية فعالة للغاية، ويمكنها في الواقع توفير الوقت. تم تمويل نسخة من هذا

يسأل Eurobarometer بانتظام مواطني الاتحاد الأوروبي عن عدد اللغات التي يمكنهم التحدث بها، لكن النتائج ذاتية تمامًا وغير موثوقة. الهدف الوحيد اختبار التحصيل في اللغات الأجنبية في دولة الاتحاد الأوروبي كان SurveyLang ٢٠١٢، والذي يحتوي على الكثير من المعلومات. لكن الحقيقة المهمة كانت تلك اللغة تم إجراء الاختبار فقط حتى المستوى B٢ من CEFR / الإطار الأوروبي المرجعي المشترك للغات، أي حتى المستوى ٤ من المستويات الستة المحددة بواسطة CEFR لم يتم إجراء أي اختبارات على المستوى C١ أو C٢، حيث اعتبر أن أولئك الذين يصلون إلى المستوى C١، حتى في لغتهم الأجنبية الأولى، يشكلون فئة صغيرة وأقلية غير ذات دلالة إحصائية، بنسبة ١٪. أدت هذه النتائج إلى نقد تعلم اللغة باعتباره "نخبويًا":

وقد تم زرعها في بعض الأحيان كلغة عائلية لعدة أجيال. تحتوي Wikipedia Esperanto على ما يقرب من ٣٠٠٠٠٠ مقال وهي تحتل المرتبة ٣٤ من بين ٣٠٨ لغة من لغات ويكيبيديا. لها تاريخها الخاص، غير معروف ولكنه حقيقي للغاية. يوثق Die Gefährliche Sprache للدكتور Ulrich Lins جهود هتلر وستالين لتدمير الإسبرانتو بقتل المتحدثين بها.

اعترفت بولندا رسميًا بالإسبرانتو كجزء من التراث الثقافي غير المادي لبولندا وأوروبا في نوفمبر ٢٠١٤. فعلت كرواتيا الشيء نفسه في فبراير ٢٠١٩. صوت البرلمان البولندي بالإجماع تهنئة لحركة الإسبرانتو في الذكرى المئوية لتأسيسها، في ١٢ يونيو ٢٠٠٨، واقترح حركة جائزة نوبل للسلام. استخدم كل من البابا يوحنا بولس الثاني والبابا بنديكطوس السادس عشر الإسبرانتو في بركات عيد الفصح وعيد الميلاد، Urbi et Orbi، ابتداءً من عيد الفصح ١٩٩٤. تم نشر ثلاث ترجمات للقرآن الكريم إلى الإسبرانتو. مترجم، فضلا عن أكثر من ١٠٠٠٠ عمل أدبي مترجم من لغات العالم. نُشرت موسوعة دكتور جيفري ساتون المختصرة للأدب الأصلي للإسبرانتو في نيويورك عام ٢٠٠٨.

مفهوم Propaedeutic

تأتي كلمة "propaedeutics" من الكلمة اليونانية القديمة "pro" تأتي من "paideuein" +، "قبل + التدريس"، وبالتالي تعني "المساعدة قبل التدريس". المصطلح الأكثر شفافية في "Esperanto، "lernfaciliga" تعني "ما يسهل التعلم". يمكن تطبيقها "قبل التعلم" أو "أثناء التعلم". رداً على سؤال "لماذا الإسبرانتو؟"، ذكر البروفيسور ويم يانسن، الذي كان يعمل سابقًا في جامعة أمستردام، خمسة عوامل خاصة باللغة:

- ١- انتظامها؛
- ٢- شفائيتها.
- ٣- عدم وجود استثناءات لقواعد النحو،
- ٤- تحتوي ثقافة المجتمع الناطق بالإسبرانتو على مساهمات من العديد من الثقافات الأخرى؛
- ٥- لا تفرض الإسبرانتو أي نماذج معينة من التفكير أو التنظيم

النهج، تسمى مسرع متعدد اللغات، من قبل EU Erasmus + وتم ممارستها في ٢٠١٨ و ٢٠١٩ في بلغاريا وكرواتيا وسلوفينيا. ٤- يوصى بخطة تجريبية في بعض المدارس الابتدائية في العديد من البلدان المهمة، لاختبار ما إذا كانت ستحسن تعلم اللغة الصينية أو الإنجليزية أو الروسية أو غيرها من اللغات وإلى أي مدى.

من الواضح أن النتائج التي تحققت حتى الآن في تعلم اللغة ليست مرضية، لذلك سيكون من الحكمة النظر في البدائل واختبارها.

التدريس عن طريق التوجيه اللغوي / الأسلوب التمهيدي

إن فكرة وجود لغة عادية سهلة التعلم، بدون استثناء، كخطوة نحو تعلم لغات أخرى ليست جديدة، ولكن مثل النظام المتري، يستغرق الأمر وقتًا للحصول على قبول عام. اللغة الفعلية المستخدمة للأغراض التمهيدية أقل أهمية من حقيقة أن هيكلها يجب أن يساهم في التعلم السريع والسهل. يمكن أن تساعد الثقة المكتسبة من خلال إتقان الأهداف القابلة للتحقيق الطلاب على إتقان لغات أكثر صعوبة. تشير بعض التجارب، مثل تلك التي أجرتها كلية علم التحكم الآلي في جامعة بادربورن بألمانيا، إلى أن الوقت الذي تستخدمه الدورة العلاجية الأولية قد يتم تعويضه بسرعة أكبر من التعلم اللاحق. اختبر برنامج Multilingual Accelerator المبتكر هذه الأفكار عمليًا من ٢٠١٨ إلى ٢٠١٩ (انظر أدناه). هل يمكن أن يفيد هذا العمل تدريس اللغة الصينية أو الإنجليزية ولغات أخرى، خاصة للطلاب الضعفاء؟ هذا هو السؤال الذي يجب تناوله في هذه الورقة. الإسبرانتو، اللغة الدولية التي بدأت في وارسو في القرن التاسع عشر، يبلغ عمرها الآن ١٣٤ عامًا ويستخدمها مجتمع دولي صغير ولكنه متنوع لخمسة أجيال. حوالي ٢-٣ مليون شخص في أكثر من ١٢٠ دولة لديهم معرفة بها، وقد أنتج أدبًا غنيًا، أصليًا ومترجمًا. يتم تنفيذ الترجمات الأدبية إلى الإسبرانتو من قبل متحدثين أصليين للغات المصدر، وبالتالي تسير في الاتجاه المعاكس للترجمة الأدبية الأكثر شيوعًا. للغة متحدثوها الأصليون،

الاجتماعي كما تفعل اللغات الأجنبية الأخرى عادة.

كانت هناك العديد من التجارب المدرسية منذ عام ١٩٢١ لإظهار أن الدورات القصيرة في الإسبرانتو يمكن أن تحفز الاهتمام بتعلم اللغة، وتحسن تعلم اللغات الأخرى، خاصة للطلاب الأضعف. وتشمل البلدان التي أجريت فيها مثل هذه التجارب المملكة المتحدة والولايات المتحدة وأستراليا وألمانيا ونيوزيلندا وفنلندا والمجر. أحد أحدثها هو المسرع متعدد اللغات، الذي تم تمويله من قبل EU Erasmus + وتم تنفيذه مع طلاب تتراوح أعمارهم بين ٨-٩ سنوات في المدارس الابتدائية في بلغاريا وكرواتيا وسلوفينيا من ٢٠١٨ إلى ٢٠١٩. وكان له هدفان:

١- رفع مستوى الوعي بلغات الطلاب.

٢- إعداد الطلاب لتعلم اللغات اللاحقة.

يتمثل أحد الجوانب الثورية لهذا البرنامج في أنه تم تدريسه من قبل خمسة مدرسين ابتدائيين لم يكونوا يعرفون الإسبرانتو بأنفسهم: أسبوع واحد من التدريب كان كافياً للسماح لهم بتدريس هذه الدورة.

أطروحة الدكتوراه للدكتورة كاتالين كوفاتس (سميدليوس آنذاك) هي دراسة الإسبرانتو كمساعدة للأطفال المجريين الذين تعلموا اللغة الإيطالية. وهي لا تدعي القيمة الدعائية الشاملة للإسبرانتو، لأن دراستها قادتها إلى رؤية أكثر دقة. تعطينا مبدأ مفيد:

"كلما زاد الاختلاف بين اللغة الأم واللغة الهدف، وكلما اقتربت الإسبرانتو من اللغة الهدف، زاد التأثير الأولي. لذلك فهي أكثر قيمة بالنسبة للمجري الذي يتعلم اللغة الإيطالية مقارنة بالبولندي الذي يتعلم اللغة الروسية."

هل سيساعد هذا النهج الإيراني الذي يتعلم اللغة الإنجليزية أو الصينية؟ الجزء الأول من المبدأ أعلاه صالح، والثاني صحيح إلى حد ما، لأن الإسبرانتو لديها العديد من العلاقات المشتركة مع اللغة الإنجليزية. كلاهما له مفردات ذات أصل لاتيني وجرماني مختلط، ولا يمتلك أي منهما التعقيد النحوي للغات السلافية. على المستوى الأعمق، تتمتع الإسبرانتو بالعديد من الميزات المشتركة مع لغة الماندرين الصينية، واللغة شائعة في الصين.

قد يكون من المفيد أن ننظر بالضبط إلى سبب جعل بنية الإسبرانتو إعداداً جيداً بشكل خاص لدراسة اللغة لاحقاً. لنلق نظرة على ثلاثة مستويات:

الف: ظاهرياً، على مستوى المفردات، يبدو أن الإسبرانتو لغة هندو أوروبية منحرفة. يجمع معظم مفرداته من اللغتين الرومانسية والجرمانية، بالإضافة إلى اللغة الإنجليزية. كثير من المراقبين لا ينظرون إلى ما هو أعمق من ذلك، وبالتالي يفتقدون النقطة الأساسية.

ب. على المستوى النحوي الثاني، هي لغة تراصية، مثل التركية والهنغارية والفنلندية، على سبيل المثال. "Mal-san-ul-ejo"، "patr-in-eco"؛ دائماً ما تكون Morphemes دون تغيير - لا يوجد شيء مثل اللغة الإنجليزية "انظر، البصر، المرئي".

ج- على المستوى الأعمق، تعتبر الإسبرانتو لغة منعزلة، مثل لغة الماندرين الصينية أو الفيتنامية. يمكن أن تتجمع الصيغ الثابتة الخاصة بها معاً بحرية، ويمكن استخدام كل مورفيم ككلمة مستقلة، على سبيل المثال إينو، إينا، إيني؛ تشكل eco- جميع الأسماء المجردة، وتعني نفسها "الجودة"، على سبيل المثال جمال طيب. يمكن أن يعمل كل مركب على هيئة عدة أجزاء من الجملة، وذلك ببساطة عن طريق تعديل النهايات، على سبيل المثال يمكن التعبير عن العبارة الصينية "دع الأب يعمل كأب، والابن كإبن"، بالكلمات الأربع لأب الأصلي، الابن.

توصية: خطة تجريبية في المدارس الابتدائية

يوصى بمخطط تجربي في بعض المدارس الابتدائية في بعض البلدان المهتمة، لاختبار ما إذا كانت هذه الدورة يمكن أن تحسن تعلم اللغة الصينية والإنجليزية وما إلى ذلك وإلى أي درجة. على الصعيد الدولي، هناك حاجة إلى مزيد من البحث لاكتشاف اللغة الثانية الأكثر فعالية التي تشجع اللغة اللاحقة التعلم. هذا قريب من جوهر سياسة التعددية اللغوية، ويستحق الاختبار في الممارسة العملية.

*Vi estas en profunda aĝo,
ĉar vi nur plendas
pri l'homoj junaj
kaj viaj faltoj sur la vizaĝo.
Vi estas en profunda aĝo,
ĉar vi suferas
pro viaj kruroj
kaj kurboformo de via dorso
kaj viaj paŝoj
kaj viaj vortoj.
Vi estas en profunda aĝo,
kaj via vojo
jam ne plu longas,
ĉar via celo alproksimiĝas
kaj per la fingroj
vi preskaŭ tuŝas
la finan revon,
kiu nomiĝas
glora ĉielo.*

Arquillos 15-3-14





راه‌حل‌های
جهانی برای
مسائل جهانی

اسپرانتو

برای همکاری
جهانی

روز اسپرانتو

04.05.1400

اسپرانتو، زبان جهانی برای همکاری
و صلح، را یادگیرید